سایه تاریخ (۲۳)

کیومرث سامیا کلانتری

پیشکش به شاهرخ نجاری

چون در آنزمان روحانیت در جامعه زرتشتی نقش تعیین کننده ای داشته بدنیست از موبدان آن روزگار نیز مطلع شویم.

در زمان ناصر الدین شاه دستور وارسته ای در یزد میزیست که نامش دستور تیر انداز بود و در آن دوران سیاه توانست با جلال الدوله فرزند ظل السلطان و حکمران یزد طرح دوستی بریزد و با دیگر روسای آنزمان نیز آمد وشد داشته باشد در اثر همین دوستی ها و آمد و شد اوقادربود افراد زرتشتی در آن روزگار از شر دشمنان و متعصبین حفظ نماید.

دستور تیر انداز پسری داشت بنام دستور مهربان که اخلاق و رفتار و دین دوستی را از پدر بارث برده بود . دستور مهربان تیرانداز در سال ۱۲۶۱ خورشیدی در یزد پا به عرصه وجود نهاد .روزهای بچگی را در دامان پر مهر و محبت پدر و مادر گذرانیدو سپس در مدرسه کیخسروی بفرا گرفتن معلومات زمان خود پرداخت اوقات فراغت خود را بخواندن اوستا و یشت هاو دیگر کتابهای مذهبی نمود.پس از فرا گرفتن همه تعلیمات دینی و پذیرفته شدن در امتحان نهائی با برگزاری آئین نوزوری بمقام موبدی نائل گردید .

موبد مهربان تیرانداز بعد از فارغ التحصیل شدن برای فرا گرفتن امور بازرگانی در تجارتخانه ارباب جمشید استخدام و راهی تهران شد. موبد مهربان مزدیسنی در تهران ضمن آشنائی بامور بازرگانی در تجارتخانه جمشیدیان در امور اجتماعی زرتشتیان نیز علاقه زیادی از خود نشان داد بطوریکه از سوی زرتشتیان تهران در دوره های اولیه بسمت نمایندگی در انجمن تهران انتخاب و مشغول بکار شد پس از پایان دوره انجمن و فرا گرفتن امور بازرگانی موبد مهربان مزدیسنی به یزد برگشت و در یزد بکار تجارت پرداخت در ضمن در امور اجتماعی و مذهبی نیز با دل و جان کوشید همکیشان یزدی که مجذوب هوش و فراست و از خود گذشتگی وی شده بودند او را بعضویت انجمن زرتشتیان یزد برگزیده و سالهای متمادی انجمن زرتشتیان یزد بریاست روانشاد سهراب کیانیان و معاونت روانشاد مهربان دستور تیرانداز مزدیسنی اداره می گردید از آنجا ئیکه دستور نامدار دستور بزرگ یزد اغلب درمسافرت بود و دور از میهن بسر می برد شادروان مهربان مزدیسنی که برادر زن دستور نامدار بود در غیاب وی بجای ایشان کارهای دینی را انجام می داد و پس از تاسیس کنکاش موبدان یزد تاروزیکه زنده بود ریاست آن موسسه مذهبی را بعهده داشت و بمرور ایام با مطالعه کتابهای مذهبی و تجربیاتی که بدست آورده بود در امور دینی چنان مهارتی داشت که فتوای او مورد قبول موبدان و سایر زرتشتیان یزد واقع می شدو برای جلب رضایت او می‌کوشیدند.

شادروان مهربان مزدیسنی سالها نیز در انجمن شهرداری یزد عضویت داشت و بعنوان ناظر در دبستان دینیاری رسیدگی کامل می نمود در دبیرستان دخترانه مارکار سمت ناظر انجمن راداشت و در کانون مزدیسنای یزد هم عضو بود و در همه کارهای مذهبی و اجتماعی زرتشتیان یزد اظهار نظر می کرد و وزنه سنگینی بشمار می رفت . شادروان مهربان دستور تیرانداز در سال ۱۳۲۱ خورشیدی برحمت ایزدی پیوست(۱) .

۱- بر گرفته از مهنامه زرتشتیان شماره ۴۴-۴۵-۴۶

زنان تالش ۳هزار سال پیش در مسایل سیاسی، حکومتی و نظامی مشارکت داشتند

میراث خبر: **کاوش های باستان شناسی در محوطه باستانی تول تالش نشان می دهد که زنان باستان سه هزار سال پیش در این منطقه هم پای مردان در مسایل حکومتی ، سیاسی و نظامی حضور داشته اند.**

سرزمین تالش که در شمال و شمال غربی استان گیلان جای گرفته است از نظر مطالعات باستان شناسی و انتقال تمدن عصر آهن (هزاره اول و دوم قبل از میلاد) به داخل فلات ایران از جایگاه ممتازی برخوردار بوده است.

«محمدرضا خلعتبری»، سرپرست کاوش های علمی در منطقه تالش گفت: «کشف سه گور باستانی متعلق به سه زن که در کنار آنها ادوات و ابزارهای رزم و جنگ وجود دارد، نشان می دهد که زنان باستان در این منطقه و در سه هزار سال پیش دارای جایگاه و نقش نظامی و حکومتی بوده اند .وی با اشاره به این مطلب که کاوش ها نشان می دهد زنان در تالش از جایگاه سیاسی و اجتماعی بسیار بالایی هم برخوردار بوده اند، گفت: «کشف یک گور باستانی متعلق به یک زن که در کنار اوعلاوه بر اشیا و زیورآلات او ، ۱۰ جسد دیگر که در میان آنها مردان نیز دیده می شودنشان ازجایگاه بالای زنان دراین منطقه دارد.»

روی اسکلت های کشف شده زنان در گورهای باستانی تالش بررسی های انسان شناسی نیز صورت گرفته است. «فرزاد فروزانفر»، کارشناس انسان شناسی هیات باستان شناسی در تول تالش گفت: «بررسی ها روی اسکلت های زنان نشان می دهد که زنان این منطقه دارای میانگین قدی ۱۵۵ تا ۱۶۰ سانتیمتر بوده اند و از نظر استخوان بندی دارای استخوان بندی قوی و ورزیده هستند.»

حافظ شناسی خسروانی (بخش دوم)

بهنام مرادیان و رامتین خسرویانی

ابیات :

در شعر حافظ کمتر دو بیتی ای را می یابیم که به هم موقوف المعانی باشند. این ویژگی موجب می شود که ما به علّت کمبود زمان به بررسی ابیاتی ناب و کلیدی بپردازیم تا حق مطلب ادا شده باشد.

بر آن سرم که ننوشم می و گنه نکنم
اگر موافق تدبیر من شود تقدیر

« تقدیر » در نظر عده ای که بسیار منطق گرا هستند، نمونه ای از جبر است زیرا ما تمام عوامل و مسائل را تحت اختیار داریم. در مقابل مردم عام هستند که سرمایه گذاری زیادی بر روی تقدیر و قضا و قدر می کنند. امّا در شعر حافظ تقدیر « آن چیزی است که وجود دارد » یا به عبارت دیگر « حال » .حافظ هم در این بیت می گوید که به کارش ادامه می دهد تا زمانی که به « هدف» خود برسد.

حافظا علم و ادب ورز که در مجلس شاه
هر که را نیست ادب لایق صحبت نبود

« ادب» یکی از مفاهیم عمیق زرتشتی است. ادب دارای معانی و مفاهیم زیادی است که به صورتهای مختلف به کار می روند.

ادب به معنی روش سخن گفتن درست ، روش بیان درست و در حالت کلی به معنی روش انتقال مفاهیم به بهترین شکل ممکن به کار رفته است. « شاه » همان اهورامزدا و « مجلس » جهان یا عرصه ظهور تجلیّات خداوندی است. مصراع اول انسان را به تلاش در راه کسب آگاهی دعوت میکند.کسب آگاهی به دو دسته تقسیم میشود. علم و ادب صورت دیگری از علم و عمل است. انسان علم رابه دست می آورد ودرمغزش ذخیره می کند. ولی قسمت دیگر آگاهی ارائه آنست. یا این ارائه به صورت زبان راندن باشد یا به صورت عملی کردن آن به همین دلیل است که گفته می شود دانشمندان بزرگترین اُدبا هستند، زیرا علم طبیعت را به زبان انسانی تبدیل می کند.

ز شعر دلکش حافظ کسی بود آگاه
که لطف طبع و سخن گفتن دری داند

زبان « دری » زبانی دارای پیشینه ای آشنا و مقّدس برای زرتشتیان و ایرانیان است. ویژگیهای ساختاری زبان دری که در ایجاد و قواعد بندی آن در نظر گرفته شده، موجب پایداری و اهمیّت این زبان گردیده است. حافظ نیز شعر خود را مطابق با معیارهای زبان دری می داند و معتقد است که کسی متوجّه زیباییهای شعر او می شودکه زیباییهای ادبی و زبان دری را بشناسد.

داشتم دلقی و صد عیب مرا می پوشید
خرقه رهن می و مطرب شد و زنار بماند

« زنّار » به معنی « کُشتی » آمده است. « عیب » یعنی آنچه در نگاه عمومی جامعه گناه محسوب می شود. دلق آن پوششی است که باز در نگاه عمومی مقّدس و الهی است. حافظ در این بیت می گوید که با دلق آنچه را که در دل داشتم می پوشاندم. ولی وقتی انسان محضر خداوند می رسد ، آنچه حقیقت است باقی می ماند.

مطرب بساز پرده که کس بی اجل نمرد
هر کو نه این ترانه سراید خطا کند

یکی از ظواهر خود پرستی و سرکشی درمقابل «اشا»، مقابله در برابر «مرگ» است. انسانها گاه تحت تاثیر آموزشهای دیو یسنانی در مقابل خداوند و اصل مرگ به مبارزه برخاسته و تلاش در زندگی ابدی و یا زنده نزد خداوند رفتن را در پیش میگیرند. این گونه کارهای غیر طبیعی که در اصطلاح« کرامت» گفته میشود، در زمانهای مختلف خودرا نشان داده اند،که همه آنها توسط اندیشه زرتشتی نکوهیده است.

عشق می ورزم و امید، که این فن شریف
چون هنرهای دگر موجب حرمان نشود

عشق و امید جز هنرهای محاسبه شده است که هیچ پیامد منفی به بار نمی آورد. حال اینکه چه هنرهایی موجب زیان و بیهودگی میشود، مقوله دیگری است.ولی مهمترین و رایج ترین مثال برای آن مسئله انرژی هسته ای است.

عشق و شباب و رندی مجموعه مراد است
چون جمع شد معانی گوی بیان توان زد

عشق و جوانی و تدبیر، لوازم خوشبختی و خود آرزو است. در مصراع دوم نیز مانند مصراع اول در مورد یک نوع کمال و فراهم آوردگی صحبت شده است. و « هنگامی باید لب به سخن گشود که اطلاعات و فهم مطلب کامل شده است»

به پیر میکده گفتم که چیست راه نجات
بخواست جام می و گفت راز پوشیدن

پیر میکده همانطورکه از قبل هم گفتیم، بزرگ مجلس اُنس است. حافظ از او پرسش میکند که راه نجات چیست؟ پیر مغان نیز جام می را به طور غیر مستقیم و راز پوشیدن را به طور مستقیم روش موفقّیت و پیروزی میداند.

فکند زمزمه عشق در حجاز و عراق
نوای بانگ غزلهای حافظ شیراز

یکی از سوالاتی که درمورد شعرحافظ مطرح میشود، مسئله ابیات و مصراعهای عربی در شعر اوست. این روش یعنی استفاده از عبارات عربی مخصوصاً توسط حافظ دارای دو دلیل عمده است. دلیل اول کسب حمایت بزرگان و ثروتمندان وعلمای عرب یا عربی مآب است که حافظ به این وسیله در نشر شعر خود از این ترفند استفاده کرده و این بیت پیرو این مطلب آمده است. دلیل دوم در بقیه کتابهای عربی دار یا عربی زبان زرتشتی اینست که، معنی یک کلمه در زبان فارسی و عربی متفاوت است. یعنی کلمه ای که مثلاً در یک کتاب عربی آمده و معنی خاصی برای خوانندگان آن دارد، معنی

متفاوتی در زبان فارسی می یابد و این بهترین وسیله است برای ترویج تفکرات مورد نظر توسط عرب زبانهابرای ایرانیان. و در قرآن کریم آمده: ((و قرآن را به عربی سرودیم تا مگر انسانها تفکر کنند)).

نخست موعظه پیر می فروش اینست
که ز مصاحب نا جنس احتراز کنید

یکی ازمهمترین تدابیر حفاظتی دیرمغان، حفظ محدوده و جلوگیری از نفوذ بوده. زیرا یکی از ترفند های تحریف، نفوذ و ایجاد اخلال در هر طرز تفکری و وارد کردن افرادی به درون این گروه ها بوده. حافظ هم در اینجا اعضای محفل را به دقت و هوشیاری برای جلوگیری از نفوذ این افراد فرا خوانده است.

در اینجا به بررسی غزلی از غزلهای معروف دیوان حافظ می‌پردازیم که بحثهای حافظ شناسی زیادی هم بر روی آنها انجام شده است.

حسب حالی ننوشتی و شد ایامی چند
محرمی کو که فرستم به تو پیغامی چند

حسب حال صورتی از زندگینامه است و منظوراینکه زندگینامه ات را ننوشتی اینست که، کار مفیدی نکردی. زیرا در تفکرات انسانی آنچه که از انسان می ماند تنها آثار اوست، پس آنچه که به عنوان زندگی نامه در اینجا مد نظر است، کامیابی است که در جهان اثر گذار بوده است. شدن همان گذشتن است، و شد ایامی چند یعنی مقداری از عمر گذشت.

محرم کسی است که (معمولاً راز) را پیش خودش نگه می دارد، محرمی کو یعنی شخص مورد اعتمادی را به من نشان ده تا برایت پیغامی بفرستم.

ما بدان مقصد عالی نتوانیم رسید
هم مگر پیش نهد لطف شما گامی چند

ما هیچ گاه به آن مقصد عالی نمی رسیم، حتی اگر لطف تو شامل حال ما شود. در اینجا این نکته قابل درک است که « تو یا شما » در این بیت، با آن مقصد عالی در ارتباط است. و شاعر می گوید حتی (هم) اگر شما به ما از روی خیر خواهی نگاه کنی، ما به آن مقصد عالی نمی توانیم برسیم. البتّه حافظ درجاهایی کمی « ترس دهنده» بر خورد کرده باشد، که امری است کاملاً « درست » پس ضرورت این بیت نوعی بیدار باش است.

اما از طرفی با درون نگری بیشتر می توان با تکیه بر « هم » که برداشت قبل هم از آن سرچشمه گرفته بود، به نوع دیگری به مسئله نگاه کنیم. اگر ما « هم » را از حالت « با وجود اینکه و حتی » خارج کرده و آن را « اگر » بدانیم جمله شرطی می شود، به اینصورت که ما به آن مقصد عالی نمی توانیم برسیم، مگر اینکه لطف شما شامل حال ما شودتأکید « که » بر این برداشت با وجود « مگر » قوّت بیشتری پیدا میکند چون مگر به مانند اگر، نیست بلکه از نظر مفهومی نوعی « شرط منفی » را القا می کند.

چون می ازخم به سبورفت و گل افکند نقاب
فرصت عیش نگه دارو بزن جامی چند

خم منبع و جایگاه و خزینه می است. پس وقتی می گوییم می از خم به سبو رفت یعنی چیزی (مخصوصاً با وجه معنوی یا ارزشمند) از منبع خود به سبو یعنی جایگاه کوچکتر (که قابل استفاده تر برای عموم است) منتقل شد. مانند علمی که از یک اُستاد به یک دانشجو منتقل می شود.

نقاب افکندن گل یعنی، رُخ نشان دادن آن و به عبارتی ازشکوفه تبدیل به گل شدن. که این برای ما بهار را تداعی میکند. فرصت عیش نگه داشتن یعنی، اغتنام فرصت یا استفاده از فرصت به دست آمده. «زدن»درقسمت آخر یعنی،خوردن یا درموردجام آشامیدن.

این بیت با دو حرف(و) عطف و یک فاصله مصراع به چهار جمله تقسیم شده، دو جمله اول خبری، دو جمله دوم امری. مصراع اول در مجموع یک موقعیت زیبارا به زیبایی تصویرمیکند. هرچند تمایل به بهار دارد ولی درمجموع منظور یک فرصت قابل قبول است. درمصراع دوم نتیجه گیری میکند ویا به صورتی شرطی میگوید که اگر این موقعیت پیش آمدپس : . . ازفرصتهای زندگی ات استفاده کن و اگر مثلاً علم از استاد (خم) به سبو(جام) دبیر یا استاد منتقل شد، آن را به کار بند (به دیگران منتقل کن یا به مرحله عمل برسان)

قند آمیخته با گل نه علاج دل ماست
بوسه ای چند بر آمیز به دشنامی چند

قند همراه با گل بسیار مخلوط خوشایندی به نظر میرسد ولی در مصراع دوم حافظ با مقایسه ای ما را به چیزی ارزشمندتر اشارت میکند. چند بوسه مخلوط با دشنام. ما در اینجا باز به دو راه میرسیم: راه اول، بوسه یار به قدری ارزشمند است که اگر با هر چیزی همراه شود موجب خوشنودی ماست « مخصوصاً که این در مقابل گل و قند که مادی اندارزش معنوی دارد». علاوه بر اینکه دشنام یار هم بر اساس« اگر با من نبودش هیچ میلی چرا جام مرا شکست لیلی» چندان بد نیست.

راه دوم، اگر ما « آمیختگی» و « بر آمیز» را وجه شباهت دو مصراع بدانیم قند با بوسه و گل با دشنام ارتباط دارد. بوسه یار مظهر شیرینی است « که هم به رنگ لب بر میگرددهم به سخن شیرین یار» ولی گل : گل یاد آور رنجهای بلبل است و در مقابل افسردگیها و ناراحتیهایی که بلبل در راه عشق به گل و نرسیدن به آن کشید، یاد آور تمام سختیهایی است که عاشقان درراه معشوق میکشند.پس گل میتواند مانند دشنام یار«یعنی نه یک دشنام معمولی» که از سمت معشوق است. روح عاشق را در کش و تاب بیاندازد. مخصوصاًکه دشنام یار در مجموع همراه با نوعی عشوه و ناز و طنازی است.

زاهد از کوچه رندان به سلامت بگذر
تا خرابت نکند صحبت بد نامی چند

یکی از نکات مهم ادبیات کهن فارسی تضادی است که دوقطب خاص را تصویر سازی میکند ولی نه به طور واضح. در این بیت « زاهد» و «بد نام » همان دو قطب مورد نظر ما هستند، که بد نام هم مسلکان حافظ اند که در آن « دوره زمانی» جایگاه اجتماعی خوبی نداشتند و زاهد به عکس. پس یک آرایش تضاد در معنی این بیت در جریان است. علاوه بر این در این بیت نوعی کنایه هم دیده میشود: حافظ به طعن به زاهد میگوید: مراقب باش وقتی از محل ما بدنامان میگذری خراب نشوی. و این بیت یک مفهوم کاملاً ممتد را از نظر زمانی در خود دارد و تا حال هم حتی مفهوم آن دیده میشود. کسانی که میترسند نظر دیگران آنها را شاخ بزند !

عیب می جمله بگفتی هنرش نیز بگو
نفی حکمت نکن از بهر دل عامی چند

در اینجا خود حافظ با استفاده از تکیه گاه« می» و جایگاه اجتماعی و عرفانی آن و تقابل آن با هر دو و ادیان و تفکرات عرفانی و اجتماعی آنها به این مسئله ، اشاره به دو وجهی بودن میکند و به ما این نکته را گوشزد میکند، که نظر عامه مردم را گاه باید کنار گذاشت و بدون تاثیر پذیری از استنباطهای اجتماعی هر دو وجه هر مسئله را بیان کرد، هر چند گاه باید آن وجه سخت برای جامعه پنهان نگه داشت ولی باید آن را گفت. پس ما در هر قضیه و مسئله ای باید تمام وجه آن را با در نظر گرفتن حقیقت لحاظ کنیم.

ای گدایان خرابات خدایار شماست
چشم انعام مدارید ز اَنعامی چند

قسمت اصلی این بیت در همان جناس ناقص حرکتی« انعام» و «اَنعام» است. گدایان همان بیچارگان اقتصادی(و شاید اجتماعی) هستند. خرابات جایگاه حافظ و هم مسلکان اوست.انعام یعنی بخشش و اَنعام یعنی چهارپا.پس حافظ در اینجا استعاره ای به کار میبرد و متحجرین و زاهدان را چهارپا تصویر میکند. و تکیه ای او بر بی منطقی و بی انعطافی این دسته از مجریان دین در زمان خود- و یا حال- است.

پیر میخانه چه خوش گفت به دردی کش خویش
که مگو حال دل سوخته با خامی چند

دردی ، مدادی است که درته خم شراب ازآن به جا میماند، و دردی کش کسی است که آن را بخورد. ولی وقتی که کلمه خویش به صورت اضافه اضافی برای پیر میخانه آمده، این مسئله به ذهن میرسدکه، دردی کش یکی ازماموران وکمر بستگان پیرمیخانه است. ازطرفی پیرمیخانه هم یک رئیس مسلک یا یک بزرگ جمع است. واین بزرگ میخانه به دردی کش که مامور انتقال پیام یا رایزن میخانه با دیگر میخانه هاست رندان خبری نیست که نیست .

حافظ از شوق رخ مهر فروغ تو بسوخت
کامکارا نظری کن سوی ناکامی چند

همه ما وقتی که در راه رسیدن به هدفی که نتیجه آن برای خودمان است تلاش می کنیم ولی در این راه آسیب و رنج زیادی می بینیم و یا اصلاً به هدفمان نمیرسیم، باز از آن هدف در خواست کمک و مهربانی داریم. و حافظ در این بیت هم این روحیه انسانی را نمایش میدهد و با استفاده از تضاد کامگار(کامکار) و ناکام زیبایی خاصی را مانند حالتی پیروزمندانه از سمت هدف و مقصود نشان می دهد.

ایران شناسی ،میراث فرهنگی و تکنولوژی های نوین اطلاع رسانی

محسن شمس ، اکبر پرهیزگار

شناخت استعدادها و قابلیت های یک بستر جغرافیایی از گام های اساسی دردست یابی به رشد و توسعه اقتصادی و اجتماعی است . بر این اساس شناخت توانمندی ها و قابلیت های زمینه‌های مختلف یک پهنه جغرافیایی و فراهم نمودن زمینه های مناسب برای بهره مندی و بهره برداری مطلوب ،امری کاملا بنیادی و با اهمیت در سطوح سیاست گذاری ، برنامه ریزی و اجرا باهدف نیل به رشد و توسعه اقتصادی -اجتماعی پایدار محسوب می گردد . در این چارچوب گام نخست شناخت توانها و استعدادهای مناطق مختلف از ابعاد طبیعی ، اجتماعی ، اقتصادی ، تاریخی ، فرهنگی و....در سطح ملی و منطقه ای است .

امروزه بسیاری از کشورهای توسعه یافته و یا در حال توسعه به منظور معرفی و زمینه سازی بستر توسعه پایدار خود، اقدام به اطلاع رسانی و معرفی قابلیت ها و توآنهای خود در عرصه های مختلف می نمایند و این عامل را می توان از عوامل اساسی در شکل گیری قطب های گردشگری ، تاریخی ، صنعتی و...معرفی نمود که حاصل آن علاوه بر منافع اقتصادی ، زمینه سازی جهت تبادل و تعامل فرهنگی بین ملل مختلف جهان است .

شیوه های نوین در شناخت این توانها و قابلیت ها سبب شده است که امروزه اطلاعات و اطلاع رسانی به عنوان یک زمینه نوین اقتصادی مطرح گردد که در آن اطلاعات و آمار به عنوان یک کالا مطرح گردد . گسترش روز افزون اطلاعات و منابع انتشاراتی در دهه های اخیر ضرورت گردآوری ،پردازش و اشاعه اطلاعات را آشکارتر نموده است . تسهیل در دست یابی به منابع و مراجعه مرتبط و موثق و سرعت در انجام این دست یابی از امور ضروری است که درهر کشور باید برای توسعه علمی ، فنی و اقتصادی مد نظر قرار گیرد . توسعه سیستم های کامپیوتری و کاربرد آنها در اطلاع رسانی ضرورت جدیدی را درجهت ایجاد پایگاه های اطلاع رسانی در ابعاد ملی و منطقه ای ایجاب می نماید . سیستم اطلاعات جغرافیایی نیز به عنوان یکی از دستاوردهای تحولات اطلاعات و تکنولوژی آن ، مجموعه ای از سخت افزار ، نرم افزار و نیروی انسانی متخصص است که با هدف ارائه و نمایش وضعیت موجود پدیده های جغرافیایی و تحلیل های فضایی به عنوان یک ابزار سودمند در عرصه های مختلف قابل استفاده است . این سیستم از دهه ۸۰ به عنوان یک ابزار اساسی در برنامه ریزی ها و سیاست گذاری های ملی و منطقه ای مطرح گردید و پیشرفت های تکنولوژیک در آن افزایش دامنه تقاضا برای اطلاعات توصیفی و مکانی و زمینه سازی شکل گیری پایگاه های اطلاعات جغرافیایی متمرکز در برخی از کشورها را فراهم آورد.

سرزمین ایران نیز به لحاظ برخورداری از زمینه های متنوع اجتماعی ، اقتصادی، فرهنگی و تاریخی همواره کانون توجه محققان و پژوهشگران داخلی و خارجی بوده است و این در حالی است که پاره ای از تحقیقات انجام شده و یا در حال انجام به ویژه در خارج از کشور به دلیل عدم بهره مندی درست از اطلاعات مرتبط ، به ارائه نتایج یا تحلیل های نادرست و درمواردی اشتباه از کشور منتهی شده است .

در کشور ما نوپا بودن بهره گیری از تکنولوژی اطلاع رسانی و سیستم های اطلاعاتی و عدم وجود یک مرجع معین و مشخص در ارتباط با معرفی توانها و قابلیت های کشور زمینه مناسب تشکیل سیستم اطلاعات جغرافیایی با هدف اطلاع رسانی ملی در ابعادمختلف از جمله ویژگی های طبیعی ، تاریخی، فرهنگی، اجتماعی، و..را فراهم آورده است و کاربرد آن در زمینه های گردشگری و جهانگردی می تواند زمینه ساز ایجاد بستر مناسب بوده و برنامه ریزی ها و سیاست گذاری سطوح مختلف کشور را نیز در این ابعاد در بر گیرد.با توجه به رویکرد موجود در بحث حاکم بر سیاست های دولت در زمینه گفت و گوی تمدن ها ، به کارگیری این ابزار با امکان استفاده در شبکه های اطلاع رسانی جهانی یکی از زمینه های مناسب و مساعد در جهت معرفی توانها و استعدادهای کشور به ویژه در ابعاد فرهنگی در سطح جهانی است . گسترش روز افزون شبکه کاربران این سیستم ها از جمله نکات اساسی است که می توان به قابلیت ها و توانهای این سیستم بیفزاید.

لذا به منظور دست یابی به یک راهکار مناسب و اجرایی در جهت دهی به مطالعات و تحقیقات مربوط به کشور در ابعاد فرهنگی ضروری است . در مطالعه حاضر نیز هدف ارائه ضرورت ایجاد یک سیستم اطلاعات جغرافیایی مرتبط با بحث ایران شناسی و توانها و قابلیت های آن می باشد.

در زمانه ماجهانی شدن پدیده فراگیری است . جهان با گذار از سال دو هزار ، قدم به آستانی گذاشت که در آن همه امور زندگی تحت تاثیر اشاعه آزاد اطلاعات قرار گرفته است .

عصر جدید مستلزم دگرگونی واقعی در امور انسانی ، اجتماعی و فرهنگی است . مسئله عصر جدید ، بر خلاف دوره های قبلی فقط تکنولوژی و اقتصاد نیست ، بلکه در برگیرنده اخلاقیات (فرهنگ) ، (اندیشه)و به همین میزان نهادها وساختار فرهنگی ، اجتماعی و سیاسی آن نیز هست . ما تغییر در تاریخ را احساس می کنیم . در نتیجه در هزار سوم در آغاز فرایند ایجاد تمدنی نوین قرار گرفته ایم .

جهانی شدن ، شامل تراکم دنیابه عنوان یک کل و از طرفی دیگر ، افزایش سریع در پایه گذاری (فرهنگ جهانی) از طریق (جامعه اطلاعاتی) است . جهانی شدن با مشارکت تمامی فرهنگ ها ،تمدن ها و مذاهب به وقوع خواهد پیوست و نوعی توازن و یکپارچگی انتظارات و رفتارها را در بر خواهد داشت.

فناوری های نوین ارتباطی ، جهان را به نقطه ای رهنمون می کند که فرهنگ جهانی را در قالبی واحد و در عین حال (شبکه ای شدن) پیش می برد و انسان قرن بیست و یکم با انباشتی از اطلاعات و دانایی به دنبال مشترکاتش در بین فرهنگ هاو اندیشه ها می گردد.نقش و اثر اجتماعی و فرهنگی (تکنولوژی اطلاعات) و نتیجه محتوم آن جامعه اطلاعاتی فرهنگ های بومی را ملی و فرهنگ های ملی را جهانی می کند و به روایتی دیگر خرده فرهنگ ها را در کلان فرهنگ ها و کلان فرهنگ ها را به فرهنگ جهانی گسترش می دهد.

ایران تنها نام یک سرزمین نیست ، نام اندیشه و تاریخ و فرهنگی است که در طول سالیان و قرون ، بر جهان متمدن تاثیر های فراوان گذاشته است .

توجه به مفاهیم و مبانی کلی انسانی ، اجتماعی ، فرهنگی ، تاریخ ، تمدنی این حوزه فرهنگ بشری و در یک کلام توجه به مطالعات و پژوهش های ایران شناسی در جریان پرشتاب تمدن جهانی از ضرورت های زمانه است .

هویت ملی و نقش کارکردی عناصر و شاخصه های تشکیل دهنده آن یکی از مهم ترین گفتارهای جامعه شناختی و فرهنگ شناسی روزگار ماست . در پی تحولات تکنولوژیک وصف آرایی گسترده جنبه های جدید ارتباطی - رسانه ای در سال های اخیر ، ظهور قابلیت ها و روش های نو در مرحله طبقه بندی فهرست برداری ، مستند سازی ، اطلاع رسانی معرفی و آموزش موضوعات فرهنگی و تاریخی را شاهد هستیم .در چنین شرایطی هنوز مجموعه فرهنگی ، تاریخی و هنری این حوزه از فرهنگ و تمدن بشری فاقد نظام فهرست برداری ، مستند سازی و اطلاع رسانی معینی می باشد .این مرحله بسیار مهم است . در این مرحله ما بایدنسبت به تعیین زبان انفورماتیکی - فرهنگی ، هنری و تاریخی و همچنین تبیین نگرش سیستمی در حوزه مطالعات و پژوهش های فرهنگی و تاریخی اقدام کنیم تا بتوانیم الفبای ارتباطی انسان -انسان را به سیستم ارتباطی انسان -ماشین - انسان تبدیل کنیم .

بر این اساس فرصت را مغتنم شمرده ، به منظور بهینه سازی اقدامات پراکنده انجام شده در سطح کشور و اتخاذ یک راهکار اجرایی ، ضرورت طرح تاسیس شبکه جامع اطلاعات فرهنگی و تاریخی را با هدف تولید ارتباط و انتقال ظرفیت های اطلاعاتی ، فرهنگی و تاریخی در حوزه مدیریت پژو هش های ایران شناسی به همایش ملی ایران شناسی با قابلیت ها و اهداف معین پیشنهاد می نماییم .

آیین زرتشت
در نگاه تاگور

آموزگار راستین کسی است که شب بیاموزد و بامداد بیاموزاند
خرده اوستا

رابیدرانات تاگور شاعر فیلسوف و برنده جایزه ادبی نوبل درباره آئین اشوزرتشت مطلبی نوشته که ضمن یادی از دینشاه ایرانی که آنرا ترجمه کرده در پی می آید.

مهمترین وقایع تاریخی ایران ظهور مذهبی است که در چندین قرن پیش به وسیله زرتشت پیامبر در جهان منتشر گردید. زرتشت در تاریخ عالم اولین کسی است که مذهب را به یک شکل اخلاقی در آورد و در آن عصر کهن حقیقت وحدت را به بشر تعلیم داده ، راستی و نیکی را حقیقت کامل و کمال حقیقی معرفی نمود.

اغلب مذاهب سعی دارند که مردم را به مراسم ظاهری پای بند سازند. گرچه ممکن است مراسم ظاهری نیز برای بشر دارای تاثیرات روحانی باشد و تاحدی شخص را برای شناخت حقیقت حاضر سازد. ولی چون مراسم ظاهری دارای قوه ای نیست که بتواند ما را مستقیما به حقیقت نزدیک کند غالبا در ضمیر شخص ، تولید اوهام و خرافات نموده سبب گمراهی می گردد.

زرتشت بزرگترین پیغمبری است که از آغاز تاریخ بشر ظهور نموده و به وسیله فلسفه خود بشر را از بار سنگین مراسم ظاهری آزاد ساخته و با کمال جدیت در بر انداختن آن کوشیده است. اساس مذهب خود را بر تعالیم اخلاقی نهاده است . اگر چه امروز بر ما واضح است که کردارنیک موقعی نیک است که فقط برای خود نیکی به جا آورده شود (نه به امید پاداش یا بیم عذاب). ولی باید در نظر داشت که این حقیقت درخشان، موقعی از شخص زرتشت- در جهان ظلمانی- تابیدن گرفت که بشر در منتهای درجه جهالت گرفتار بود. حتی هنوز هم که قرن ها از عمر آن تعالیم می گذرد باز در اطراف خود کسانی را می بینیم که از این حقیقت بی خبر و به امید پاداش یا بیم عذاب، کورکورانه پیروی مراسم بی فایده ظاهری هستند که هیچ نتیجه اخلاقی در بر ندارد . در دوره ای که بشر رب النوع ها و پروردگاران متعدد را پرستش می نمود و به تاثیرات جادو معتقد بود زرتشت دین خود بر پایه اخلاقی نهاد. و سعی کرد بشر را از بارهای گران تقلید که هیچ اثر نیک اخلاقی در آن متصور نیست آزاد سازد. و بفهماند که مقصود از مذهب پیروی اخلاق نیک و معرفت به راستی و درستی است .این بود که اصول دین خود را بر اندیشه و گفتار و کردارنیک قرار داد و تنها راه سعادت و نجات را به وسیله پیروی از این سه اصل مسلم دانست .

زرتشت حقیقتی را آشکار ساخت که دارای بلند ترین درجه فلسفی و اخلاقی است و در عین حال یک نور سادگی جالب توجهی از آن می درخشد.حقیقتی که وجود زرتشت را فرا گرفته چیزی نبوده که از مطالعه کتب یا به وسیله روایات و احادیث کسب نموده یا آن که از استادان و دانشمندان به او رسیده باشد. بلکه آن راستی و حقیقت، اشعه ای از انوار ایزدی بوده که مستقیما به او تابیده و وجود و زندگانی او را فروغ مند ساخته بطوریکه او از آن پرتوی ایزدی حقیقت را دریافته و توانسته به مقصود روحانی خود نائل گردد.چنانچه دریسنا ۳۱ بند هشت می فرماید:« ای مزدا همان که ترا بادیده دل نگریسته در قوۀ اندیشه خود دریافتم که تویی سر آغاز، که تویی سر انجام، که تویی پدر منش پاک، که تویی

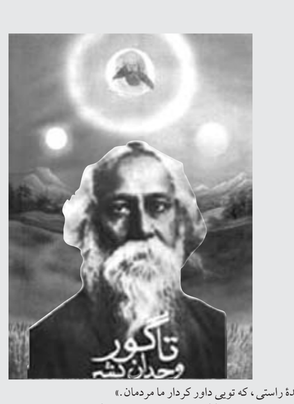

آفرینندۀ راستی ، که تویی داور کردار ما مردمان.»

حقیقتی که زرتشت از آن سخن گفته با هیچ چیز ظاهری تکیه ندارد و مبنای آن بر عقاید و اعمال بشر نهاده نشده باشد . چنین حقیقتی مانند الهامی است که نه از اطراف ما بلکه از خارج به ما رسیده و از مبدا حقیقت صادر شده باشد و این حقیقت در وجود هر کسی که قادر به پذیرفتن این حقیقت و شایستۀ آن باشد ، وظیفه راهنمایی دیگران به عهده او نهاده شده وما او را پیغمبر می نامیم .زرتشت وظیفه خود را به خوبی حس کرد و یقین نمود که الهام راستی به او رسیده و باید دیگران را از آن آگاه سازد. این بود که با کمال شجاعت قد برافراشته فرمود:«ای کسانی که از دورو نزدیک برای آگاه شدن آمده اید ، من اکنون سخن خواهم گفت. گوش فرا دهید و بشنوید،حقایق روشنی را که بشما می آموزم با دقت بخاطر بسپارید. .مبادا بار دیگر آموزگار بد خواه، زندگی مردم را تباه سازد و دروغ پرست با کج آموزی خویش آنان راگمراه نماید.» یسنا هات ۴۵ بند۱

«ای مردم هر گاه فلسفه شادی و رنج راکه خداوند خرد مقرر فرموده است بیاموزید و دریابید که دروغ گویان و تبه کاران به کیفر دیر پا دچار و درست کرداران و پاکان از سود بی پایان خوشبختی بهره‌ور خواهند گردید

آنگاه در پرتو این اصل به خرسندی حقیقی و رستگاری نائل خواهید شد.» یسنا هات ۳۰ بند ۱۱

بسا اقوام ، که رحمت ایزدی را تنها به خود اختصاص داده و برای آن حدودی معین نموده؛ قوم و ملت مخصوصی را شامل آن می دانند و سعی دارند به وسایل مختلف ، خداوند را از خود خوشنود سازند، تا قوم ایشان را رستگار سازد. اما چون حقیقت آشکار گردد و بشر نسبت به آن معرفت حاصل نماید آنگاه بطلان این عقیده واضح خواهدشد و خواهند دانست که رحمت ایزدی به یک قوم و ملت مخصوص متعلق ندارد و برای آن حدودی معین نتوان نمود . زرتشت نخستین پیغمبر جهان بود که مذهب را از این دایره تنگ رهایی داد و رحمت ایزدی را به جمیع اقوام و طوایف بدون هیچگونه فرق شامل ساخت . وهمه نیک اندیشان و نیک گفتاران و نیک کرداران را شایسته نجات دانست . این نیز یکی از خصایص دین مزدیسنا و حقیقت مسلمی است که در تاریخ مذاهب عالم دیده می شود .

«ای هستی بخش یکتا، پرسشی از تو دارم ، خواستارم حقیقت را بر من آشکار سازی ،پروردگارا از آئین الهام بخش خود که برای مردم جهان بهترین موهبت است مرا آگاه ساز. آیینی که با راستی هم گام بوده و به پیشرفت جهان هستی کمک می کند .پروردگارا ، آرمیتی یا نور ایمان را در قلبمان روشن ساز تا در پرتو آن کارهای ما به سوی راستی و درستی گرایش پیدا کند. ای مزدا، ما را هدایت فرما تا خواسته ها و آرزوی نهایی ما رسیدن به تو باشد.» یسنا هات ۴۴ بند ۱۰

به عقیده من این عقیده پاک و فکر عالی، آخرین مرحله و بلندترین درجه مقام روحانی و کمال انسانی است که بالاخره باید بشر به حقیقت آن پی برد . و چیزی که بیشتر از همه جالب توجه است این که این فکر عالی موقعی در جهان منتشر شد که هنوز خورشید تمدن طلوع نکرده بود و بشر در منتهای درجه جهالت می زیست .در دوره ای که آریا نژادان رب النوع ها و آثار طبیعت را می پرستیدند و برای نجات و سعادت خود متوسل به پروردگاران باطل شده و سعی داشتند ارواح خبیثه را از خود خوشنود سازند.

ندای زرتشت ندای جاودانی و زنده ای است که تا به امرور به گوش می رسد و این ندا نه فقط برای راهنمایی یک قوم قلیل بود بلکه تعلیمات اخلاقی زرتشت را در هر دوره و هر جا باید بهترین راهنمای جامعه بشر دانست.

هفت تا هشت هشتاد و سه

بوذرجمهر پرخیده

۱ دانش و روح آن

انتقال خام دانش به ایران به عنوان یک پروژه برای توسعه کشور طرح شده است،ولی در این فرایند جسم دانش منتقل می شود و نه روح آن.

این بدان معنا نیست که اکنون باید روح علم را وارد کرد،زیرا «روح» مقوله ای انتقال ناپذیر است و تنها اجسام از طریق جابه جایی مکانی منتقل می شوند.

روح دانش پدیده عجیب و پیچیده ای است که ما از آن اندک می دانیم و همچون روح بشری در باب آن می توان گفت:«قل الروح من امر ربی» .

این پدیده عجیب و بسیار ناشناخته منتقل نمی شود ولی شکل می گیرد و منشا اثر می گردد.البته شاید در ابتدا به یک محمل و زمینه مادی حاصل از پیوند دو جریان حیاتی نیاز دارد،ولی سرانجام این روح باید در درون پیدا شود تا رویش و تداوم محمل اولیه و پس از آن زایایی و باروری آتی خویش را تضمین کند...(جسم)علم بر بستر ارتباطات و از طریق کتاب و مجلات و منابع الکترونیک منتقل می شوند،اما روح علم که در واقع همان روحیه علمی یک جامعه یا اجتماع علمی است،باید از درون آفریده شود و البته که بسیاری از برنامه های توسعه علمی اغلب به انبوه شدن کالبد علم می انجامد تا آفرینش روحیه علمی.

...تمثیل روح در اینجا به این دلیل به کار می رود که روح به معنای حیاتمندی،زنده بودن و پویایی یک جسم است.علم در ایران یک موجود زنده نیست و همچون یک ارگانیسم یا سیستم زنده و پویا با محیط پیرامون خود ارتباط ندارد،نسبت به تحولات اجتماعی-اقتصادی واکنش نشان نمی دهد و با نیازها و مسایل ارتباط برقرار نمی کند.ویژگی موجود زنده حساسیت آن نسبت به زمینه است.این وابستگی به زمینه شرط لازم هر موجود زنده است و البته که ارگانیسم های مختلف با توجه به میزان و شیوه ابراز واکنش نسبت به محیط از همدیگر تمایز می یابند و انسان تنها به دلیل افزایش میزان حساسیت نسبت به تغییرات محیطی و تنوع پذیری واکنش هایش در مقابل محیط و نیز هوشمندی پاسخ هایش این چنین می تواند ادعای اشرف مخلوقات بودن را داشته باشد.هوش به معنای توانایی برای واکنش سنجیده به تحولات بیرونی است.واکنش دانش به محیط پیرامون خود در ایران واکنش هوشمندانه نیست و در حد واکنش های نباتی و یا اندکی بالاتر از آن است.

۲ باز هم کنکور

زهرا ناجیان نفر اول کنکور سراسری سال ۸۳ در رشته هنر فکر می کند در درجه اول نخبگان به حمایت و پشتوانه نیاز دارند:«تا زمانی که زمینه نوآوری و خلاقیت در کشور وجود نداشته باشد و پژوهش نقش اصلی خود را در جامعه پیدا نکند،نخبگان نمی توانند استعدادهای خود را کشف کنند.»

او درسهای دانشگاه و دبیرستان را کلیشه ای دانسته و می گوید:«چرا باید همه بچه ها با استعدادهای مختلف یک جور تحصیل کنند و یک کتاب بخوانند.با رها کردن جوانان نخبه به حال خود و حمایت نکردن دولت، آنها نمی توانند به طرحی و ایده هایی که در سرشان وجود دارد،جامه عمل بپوشانند.»

زهرا می داند که در ایران می ماند و قصد رفتن برای همیشه را ازایران ندارد،ولی به آنهایی هم که ایران را ترک می دانند،خرده ای نمی گیرد و معتقد است:«آنها هم برای کارشان دلایل موجهی خواهند داشت،ولی من فکر می کنم نسبت به ایران و ایرانی بودنم دین دارم.اگر استعدادی دارم مربوط به ایرانی بودن و خانواده ام است و به هر حال حداقل ۱۲ سال از امکانات این دولت برای پیشرفت خود استفاده کرده ام.پس اگر برای ادامه تحصیل هم ایران را ترک کنم،باز خواهم برگشت و اطلاعاتم را به دیگران انتقال خواهم داد.»

زهرا در رشته ریاضی درس خوانده،از او می پرسم:«چرا پس رشته هنر را برای دانشگاه انتخاب کردی؟»

جواب می دهد:«متاسفانه در کشور ما بعضی از رشته ها جایگاه واقعی خود را پیدا نکرده اند،مثلا همین هنر را در جامعه ما به عنوان یک رشته فانتزی و غیر جدی می بینند،در حالی که هرگز نمی توان نقش مهمش را در جامعه به خصوص در جوامع در حال رشدی مثل ایران نادیده گرفت.[ولی از مطابق نبودن منابع درسی اعلام شده توسط سازمان سنجش با سولات می نالند و می گوید:البته در برخی از درسها باید یک سری مطالعات جنبی داشت و جزو الزامات آن درس است،ولی به هر حال با توجه به نقایص فراوان کتابهای این رشته در کنکور به سردرگمی می رسیم.

زهرا آنقدر ایران را دوست دارد که حاضر است برای پیشرفتش هر کاری انجام دهد.

۳ انگیزه ای برای خلق آثار ماندگار وجود ندارد

خلق آثار ماندگار موسیقی شرایط زیادی را می طلبد و اینکه عده ای فکر می کنند می توان با یک برنامه ریزی آثار شاخصی تولید کرد در اشتباهند.

دکتر محمد سریر،آهنگساز در گفت و گو با ایسنا ضمن بیان این مطلب افزود:هر هنری که آثاری را پدیدار می سازد به واقع بازتاب و انعکاسی از شرایط اجتماعی و فرهنگی جامعه است.

سریر گفت:چون این موقعیت،در جامعه ما وجود ندارد پس با سرمایه گذاری و هدایت ها،موفقیت زیادی در خلق آثار ماندگار هنری و موسیقیایی به دست نخواهد آمد.سخنگوی خانه موسیقی همچنین اظهار داشت:هیچ انگیزه و خلاقیتی برای تولید آثار ماندگار وجود ندارد و اگر در پاره ای موارد انگیزه ای هم به چشم می خورد شرایط اجتماعی،فرهنگی و اقتصادی جامعه اجازه ظهور این خلاقیت ها را نمیدهد.سریر در ادامه،محدود شدن خلاقیت ها در ملودی را از دیگر عوامل عدم تولید آثار ماندگار ذکر کرد.

وی گفت:آنچه که اکنون در عرصه تولید و عرضه آهنگ شاهد آن هستیم تنها شبیه سازی و تقلید است و بس!

۴ استاد حسین مسعود درگذشت

استاد حسین مسعود،آخرین بازمانده نسل قدیم ساز سازان ایران،درفانی را وداع گفت.

او که از ۸ سالگی موسیقی را آغاز کرد،در نواختن تار و سه تار مهارت بسیاری داشت و از محضر استادان بزرگی همچون استاد احمد عبادی،علی اکبر خان شهنازی،جلیل شهناز بهره های فراوانی برد و در ساخت تار نیز از الگوهای یحیی،استاد فرج الله عباس استفاده می کرد.

استاد در اواخر عمر خود کلیه سازها و ابزار سازسازی خود را به میراث فرهنگی کرمان هدیه کرد و هم اکنون نیز موزه ای به نام موزه ساز،استاد مسعود در محل میراث فرهنگی دایر است.

۵ www.

شبکه گسترده جهانی وب(www)یکی از اختراعاتی است که روزانه میلیون ها نفر از آن استفاده می کنند.البته ابداعات دیگری نیز در زندگی ماشینی امروز فراگیر شده اند.همچون اتومبیل،تلویزیون و هواپیما،اما تمامی این وسایل پس از گذشت اسمهای قبول شدگان،زمان ثبت نام دانشگاه طی یک جدول منظم درج شده بود،دیگر درنگ نکردم.

هر طور که شده باید خودم را در تاریخ مقرر که ۲۵ شهریور بود از دلیجان به شیراز می رساند.با هر مکافاتی که بود بلیت اتوبوس تهیه کردم و ابتدا خودم را به اصفهان و پس از آن به شیراز رساندم.

بلاخره به شیراز رسیدم و پس از آن به دانشگاه،خیلی های دیگر هم آمده بودند،تنها با یک خانواده،از شهرستانهای دور و نزدیک،اما هیچ ثبت نامی انجام نمی شد.

وقتی که علت را جویا شدم در کمال خونسردی پاسخ شنیدم که باید برگردم.

خیلی ساده بود باید در تاریخ ثبت نام به دانشگاه مراجعه کنید.اصلا نمی فهمیدم،وقتی که روزنامه و اسامی و لیست زمان بندی را نشان دادم باز هم نتیجه ای نداشت.پاسخ شنیدم که روزنامه برای خودش نوشته است.دانشگاه ما برنامه خودش را دارد.

اعتراض وارد نبود.باید برمی گشتم یعنی همه آنهایی که هر یک با هزار آرزو از گوشه و کنار ایران کیلومترها راه آمده بودند باید برمی گشتند.مسیر برگشت تمام شدنی نبود،انگار جاده کش می آمد.با خودم گفتم...

روزنامه ایران ۳۱/۶/۸۳

۹ آمریکا و کانادا،بیشترین نخبگان ایرانی را جذب کرده اند

سینا:در اختیار گذاشتن امکانات پژوهشی و رفاهی به صاحبان اندیشه،مهمترین دلیل جذب نخبگان ایرانی است که در این رابطه آمریکا و کانادا به ترتیب رتبه اول و دوم را به خود اختصاص داده اند.

تحقیقات یک پژوهشگر ایرانی که در دانشگاهMitآمریکا تدریس می کند،نشان می دهد که بیش از ۴۵ درصد از ایرانیان مقیم کشور آمریکا دارای مدرک تخصصی یا فوق تخصص هستند.تحقیقات دیگری که در سطح دانشگاههای معتبر ایران انجام شده نشان داده شده است که به طور متوسط از هر ۱۸ نفری که از سوی دانشگاه برای کسب تخصص به کشورهای توسعه یافته اعزام شده اند،تنها ۳ نفر به ایران بازگشته اند.

دکتر «امان الله قرایی مقدم[جامعه شناس و استاد دانشگاه درباره نتیجه تحقیقاتی که در بررسی عوامل فرار مغزها انجام داده است،می گوید:تاثیر مثبت سطح تحصیلات والدین در میزان فرار مغزها ۸۸درصد،رضایت والدین۹۲درصد و سطح فرهنگی والدین نیز ۹۲درصد در فرار مغزهای جوانان موثر هستند.

این استاد دانشگاه در بررسی رابطه بین سطح اقتصادی خانواده و فرار مغزها می گوید:۷۹/۵ درصد معتقدند که سطح بالای اقتصادی،۶۰درصد کمبود امکانات رفاهی و ۲۰/۵ درصد نبود پیشرفت اجتماعی از نظر مالی و نبود تضمین شغلی را در ایران دلیل فرار مغزها دانستند.همچنین ۹۲/۵درصد گفته اند زمینه اشتغال مناسب در کشورهای توسعه یافته مورد است و ۹۶/۵درصد زمینه وجود این امکان در کشورهای دیگر را از عوامل موثر دانسته اند.

۱۰ خنده در تاریکی

«ولادیمیر ناباکوف» در اولین پاراگراف رمان نه چندان بلندش،همه سنگ ها را با مخاطب و ما می کند.اول از همه،فضای کلی داستان را برایش در چند خط روشن می کند،انگار می گوید اگر این ماجرا برایت جالب است هم قدم شو و گرنه همین جا رها کن.

و از چارچوب کلی «خنده در تاریکی» را ساده می گوید،همه داستان همین است و اگر سودی برای من نداشت،بی شک وارد جزیئات اش نمی شدم.شخصیت اصلی داستان «خنده در تاریکی[مرفه بی دردی است که کمی هم هنرمند است،البته به قول نویسنده هنرمند درجه سه،زندگی متولی اگر در تمام داستان های کلاسیک همچون گتسبی بزرگ توصیف اش را خوانده ایم.خانه ای دردشت و بزرگ،زنی زیبا،ملیح و آرام،دختر چواه ای نازک و برادر زن با شخصیتی که زیاد به خانواده خواهرش سر می زند.

زندگی ملال آوری که در اولین صفحات کتاب برای خواننده ترسیم می شود،طاقت را از خواننده می گیرد و قطعا کمی پیشتر خواننده حق کمی شبطنت را به آلبینوس می دهد تا خودش را از خمیازه کشیدن نجات دهد.

آلبینوس مردی که در جمع دوستان روشنفکرش،ارج و قربی دارد.ناباکوف در این میان به حواشی و اتفاقات دهه ای که داستان در آن می گذرد چندان بی توجه هم نیست.پیوند انیمیشن و نقاشی،آرزویی است که آلبینوس در سر دارد و در این مسیر تنها یک نفر می تواند به او کمک کند،مردی آلمانی به نام رکس که آلبینوس در آرزوی دیدن اوست.رکس در آمریکا زندگی می کند و تنها او می تواند آلبینوس را به آرزویش برساند.

محمد حسن خواجه امیری(ایرج):

۱۱ موسیقی به ابتذال کشیده شده است

محمد حسن خواجه امیری-ایرج-گفت که فرم موسیقی در برهه کنونی،نسبت به گذشته،تغییر یافته و از این حیث در حال ابتذال کشیده شده است.این خواننده پیشکسوت در گفت و گو با ایسنا افزود:وضعی پیش آمده که هر کس از راه می رسد،شروع به ساخت آهنگ های پیش و یا افتاده می کند،به همین دلیل به مرور،گوش مردم و ذائقه ها عوض شده است.

وی همچنین با اشاره به لزوم بررسی های جامعه شناسانه برای پی بردن به دلایل این امر تاکید کرد که نهادها و مراکز فرهنگی،به موسیقی اصیل بهای لازم را نمی دهند از همین رو،این موسیقی از بطن جامعه به عقب رفته است.

خواجه امیری فعالیت های موسیقیایی خارج از مرزها و عدم اتخاذ تدابیر لازم از سوی مسولین فرهنگی را دیگر عامل وضعیت نابسامان موسیقی ذکر کرد.وی به ایسنا گفت:موسیقی ایرانی،به مرور در حال برچیده شدن و از بین رفتن است و این موضوع،واقعا جای تاسف دارد که موسیقی دیگری در حال جایگزینی موسیقی ایرانی است.

خواجه امیری در پایان،خواهان پخش موسیقی های اصیل و توجه به هنرمندان این حوزه از سوی سازمان صدا و سیما شد و توجه رسانه ملی به موسیقی اصیل را گامی برای آشنایی جوانان با موسیقی ایرانی و رهایی آن از نابودی ارزیابی کرد.

۱۲ میراث طبیعی

با گذشت بیش از ۳ دهه از تصویب کنوانسیون حفاظت از میراث فرهنگی و طبیعی در سازمان جهانی یونسکو و تشکیل کمیته میراث جهانی،ایران به عنوان یکی از کهن ترین تمدن های دنیا که آثار،ابنیه و نیز محوطه های طبیعی فراوانی را در خود جای داده است،نتوانسته است هیچ یک از مواریث طبیعی خود را در فهرست میراث جهانی یونسکو به ثبت برساند.

ثبت محوطه های و میراث طبیعی در فهرست میراث جهانی یونسکو،مقوله ای است که به تازگی مورد توجه علاقه مندان و کارشناسان در ایران قرار گرفته است.تا کنون ۵ محوطه تاریخی ایران بر اساس کنوانسیون ۱۹۷۲ یونسکو مبنی بر حفاظت و حمایت از میراث فرهنگی و طبیعی،در زمره میراث جهانی جای گرفته اند.لیکن هیچگونه تلاشی برای طرح محوطه های طبیعی منحصر به فرد در ایران مانند کوه دماوند،جنگل های حوزه خزر و غار علیصدر در صورت نپذیرفته است.به نظر می رسد یکی از اهداف تاسیس سازمان جدید میراث فرهنگی و گردشگری،رسیدگی به این مسایل برای جذب گردشگران بیشتر به سوی ایران است.

۱۳ خانه تاریخی ایرج میرزا فرو ریخت

خانه تاریخی ایرج میرزا در جزیان گودبرداری غیر اصولی تخریب شد و پنج کارگر زیر آوار جان باختند.

این خانه قدیمی که در فهرست آثار ملی و میراث فرهنگی به ثبت رسیده است در تقاطع خیابان سی ام تیر و کامران صالح قرار داشت و در حال حاضر به مخروبه ای تبدیل شده است.شامگاه یکشنبه ۵مهرماه سال جاری وقتی بولدوزر در حال گودبرداری در فضای پشت ساختمان خانه «ایرج میرزا»بود،این خانه تاریخی فروریخت و هفت کارگر زیر آوار ماندند.با وارد عمل شدن امدادگران و گروه نجات،این کارگران از زیر آوار بیرون کشیده شدند که دو تن از آنها زنده ماندند و دیگر کارگران جان باختند.بازپرس اضرغزاده از شعبه دوم دادسرای امور جنایی تهران در خصوص این ماجرا به «ایران» گفت:گودبرداری غیر اصولی و بدون مهندس ناظر بود.ساعت یک بامداد بود که در جریان آن قرار گرفتم و دستورات ویژه ای برای شناسایی علت حادثه و مقصران صادر کردم.

۱۴ نقش ابزایل آلنده در آزادی یک مترجم

شنیدیم که علیرضا جباری پس از نزدیک به دوسال حبس پنجشنبه شب از زندان رجایی شهر(گوهردشت)آزاد شد.علیرضا جباری که از ناراحتی قلبی رنج می برد بارها به شرایط خود در زندان اعتراض کرده بود.ابزایل آلنده که کتاب معروف او «داستانهای اوالونا»توسط علیرضا جباری به فارسی ترجمه شده است اخیرا طی نامه ای انعکاس دستگیری و دادگاه علیرضا جباری را در میان روشنفکران جهان برای محمد خاتمی رییس جمهوری توضیح داده است و خواستار آزادی فوری علیرضا جباری از تمام کسانی که طی دوسال گذشته در داخل و خارج برای آزادی او تلاش کرده اند تشکر کرد.او در پایان گفت:«از خانم ابزابل آلنده،همسرم و دکتر بهرامیان وکیلم به ویژه سپاسگذاری می کنم.»

۱۵ متفکر تنها

مصطفی شعاعیان چپ مستقل و دموکرات ایران بود.وی با فشردن دندان بر شیشه کپسول سیانوری که زیر زبان داشت از دنیا رفت.به این باور که زنده به دست ساواک نیفتد.

مصطفی شعاعیان چپ اردوگاهی بود،نه روسی،نه چینی و نه هیچ یک از جناح های چپ جهانی.وی در میان روشنفکران چپ مجهز به خرد انتقادی بود.به همه چیز انتقادی می نگریست،حتی به اندیشه های خودش.«بایستی همواره با دیدی خرده گیرانه با همه چیز برخورد کرد.حتی با مارکسیسم و به ویژه با مارکسیسم.بایستی از گذرگاه «نفی» به دشنگاه «اثبات» - رسید.برای ما چیزی درست است که کوششمان برای اثبات نادرستی آن،درستی آن را برایمان به ثبوت برساند» .

شاعیان در چرایی این که نتوانسته اید پیر در ایران روشنفکری با خرد انتقادی داشته باشیم،استبداد را می بیند.پدیده ای که خود روشنفکر ایرانی نیز به آن مبتلاست.

سنت اندیشه کشی ویژگی استبداد است،و تاریخ ما هر ورقش شاهدی بر این اندیشه کشی است.پس روشنفکری ما هم که با فرهنگ استبداد پرورش یافته تافته جدا بافته ای نیست.از شاعیان هزارها صفحه نوشته به جای مانده است که به عقیده ماهروبان،مولف این اثر،بخش مهمی از ادبیات مارکسیستی فارسی و ایرانی است.ماهروبان در این اثر کوشیده تا شناختی هر چند مختصر از این متفکر ایرانی به دست دهد.از هوشنگ ماهروبان علاوه بر این اثر کتابهای «مدرنیته و بحران ما» ،«آیا مارکس فیلسوف هم بود؟» و«تبار شناسی استبداد ایرانی ما» توسط انتشارات بازتاب نگار منتشر شده است.

۱۶ هنر زندگی

ماکس مولر(۱۹۰۰-۱۸۲۳)مورخ ادیان و از پیشگامان مطالعات تطبیقی و مقایسه ای ادیان،یکی از علمای بزرگ زمان خود محسوب می شد.علاقه اصلی اش دین های هند بود و بعضی از کتابهای مهم ادیان هند از جمله اوپانیشادها را از زبان اصلی ترجمه کرد.مولر پس از ترجمه چند متن دینی هند،به دانشگاه آکسفورد رفت و به تدریس در رشته ادیان و زبان شناسی تطبیقی مشغول شد و تا پایان عمر در آنجا ماند.او محقق و نویسنده ای پرکار بود که علاقه اش موضوعات مختلفی را در بر می گرفت.چنانکه اشاره شد یکی از کارهای مهم او ترجمه متون مذهبی بود که از جمله آنها می توان به ترجمه مجموعه «کتابهای مقدس شرق» را روی کار آورد.این مجموعه «کتابهای مقدس بودایان» در سال ۱۸۹۵ ه.اشاره کرد.مولر به طور کلی بر این عقیده بود که دین،توانایی انسانی برای درک و فهم وجود نامتناهی(the infinite)است و این است که همه ادیان به درجاتی،در بردارنده حقایق ازلی و سرمدی مربوط به اعتقاد به خدا و جاودانگی نفس و کیفر و پاداش اخروی اند.مجموعه آثار او در سال ۱۹۰۵ در.در کتابی به نام زندگی و دین توسط همسرش تدوین و منتشر شد و در سال ۱۹۹۵ چاپ دوم آن منتشر شد.ماکس مولر را محققی دقیق و تحلیلی گر دانسته اند و در سخنانی از او که در این کتاب گردآمده است شور و گرمی و اشتیاق شایانی جریان دارد که شاید در نوشته های تحلیلی و محققانه کمتر مجال بروز می یابند.

۱۷ نماینده مدیران مسئول در هیات نظارت بر مطبوعات انتخاب شد

حسین انتظامی مدیر مسئول روزنامه جام جم به عنوان نماینده مدیران مسوول در هیات نظارت بر مطبوعات انتخاب شد.

در جلسه ای که در تالار وحدت برگزار شد حسین انتظامی مدیر مسئول روزنامه جام جم با ۹۴ رای از مجموع ۱۹۳ رای ماخوذه به عنوان نماینده مدیران مسئول برگزیده شد.

در این انتخابات که با حضور ۱۹۳ نفر از میان ۱۷۱۵ مدیر مسئول واجد شرایط رای دادن برگزار شد الیاس حضرتی مدیر مسئول روزنامه اعتماد ۳۷ رای و کواکبیان مدیر مسئول مردم سالاری نیز ۳۰ رای کسب کردند.

در ابتدای این جلسه سید محمد صحیفی معاونت مطبوعاتی وزارت ارشاد گزارشی از عملکرد دوره نهم هیات نظارت ارایه کرد.وی گفت:در دوره نهم هیات نظارت شصت و یک جلسه برگزار شد و ۱۴۵۴ مجوز جدید صادر شد.همچنین با ۶۷۹ مورد تغییر وضعیت موافقت کرد و در ۵۲۶ مورد نیز به ارزیابی فعالیت مطبوعات پرداخته شد.

صحفی تعداد مجوز صادر شده برای روزنامه ها را طی دوره ۲ سال هیات نظارت نهم را ۴۴ مورد ذکر کرد و افزود:با تمام این فعالیت ها هنوز ۲۷۰۰ پرونده در نوبت رسیدگی است.

گفتنی است،برای دوره دهم هیات نظارت ۳۴ نفر نامزد شده بودند که اکثر نامزدها به نفع حسین انتظامی انصراف دادند.

۱۸ سوپر من درگذشت

کریستوفر ریو«ستاره فیلم های «سوپرمن» دهه ۸۰،۷۰ هالیوود در سن ۵۲ سالگی در اثر سکته قلبی درگذشت.

به گزارش بی بی سی،ریو که در نقش سوپرمن در تاریخ سینما جاودانه شد،نه سال پیش در جریان سانحه ای که منجر به سقوط او از اسب شد آسیب دید و از ناحیه گردن به پایین فلج شد.او پس از این آسیب به یکی از فعالان جهانی تحقیقات مربوط به نخاع و سیستم عصبی تبدیل شد و بخش عمده ای از ثروت خود را وقف مطالعه در این راه کرد.

اندام ورزیده و علاقه ذاتی ریو به ماجراجویی نقش «سوپرمن» را در فیلمی به همین نام که در سال ۱۹۷۸برای وی به ارمغان آورد.او اگر چه این نقش را سه بار ایفا کرد اما اغلب در کلیشه ای شدن نقشش و بازی اش به عنوان یک قهرمان اکشن نگران بود.ریو در مصاحبه ای در سال ۱۹۸۳ گفته بود:«همه کار کرده ام،پرواز کرده ام،بد شده ام،عشق ورزیده ام.دنیا را به عقب برگردانده ام،با بچه ها و موجودات کوچک دوست شده ام و حتی گربه ها را از شاخه های بلند درختان نجات داده ام.چه کار دیگری مانده است تا یک سوپرمن انجام بدهد که من آن را انجام نداده باشم.» کریستوفر ریو در اواخر دهه ۹۰ مجددا با ایفای نقش در نسخه مدرن فیلم«پنجره عقبی» هیچکاک به عرصه سینما بازگشت.او برای بازی در این فیلم جایزه اتحادیه بازیگران سینما را دریافت کرد.ریو اگر چه در فیلم های دیگری همچون «دهکده لعنت شدگان» ،«بازمانده های روز» ،«خطبان» و «شکوه مج» بازی کرده است اما تا پیش از این به شهرت رسیدن با فیلم سوپرمن بازیگری گمنام بود.با فیلم سوپرمن ریو به چهره ای جهانی در سینما مبدل شد و فیلم به فروش بی سابقه ۳۰۰میلیون دلاری در دنیا دست یافت.

پایان

مرده ریگ‌های سلطنت

سرمقاله دوازدهم مهر روزنامه شرق به قلم محمد قوچانی سردبیر محترم!با عنوان «مرده ریگ سلطنت» بود . بخش های پایانی آن مقاله را که خواندیم اما دچار کمی تردید شدیم : نکند بازی بدیعی آغاز شده باشد که در آن میان جامعه زرتشتی مجبور به پرداخت هزینه‌هایی آن بشود؟!

نوشتاری با عنوان « ایران بزرگ» در شماره ۱۰۲ چاپ شد - که تأکیدی بود بر مخالفت تاریخی زرتشتیان به جهت پرداختن هزینه‌هایی که به او مربوط نیست.

در همین ارتباط ، دبیرفرهنگ و اندیشه امرداد ، بوذرجمهر پرخیده نیز رنج‌نامه‌ای به عنوان روزنامه شرق فرستاد که خوشبختانه با پاسخی مدبرانه از سوی سردبیر این روزنامه وزین روبرو شد. و کمی از تردید های موجود را کاست.

با سپاس از محمد قوچانی ، سردبیر محترم روزنامه شرق به خاطر پاسخ مثبتش ، هم نامه بوذرجمهر پرخیده و هم پاسخ ارسال شده را چاپ می کنیم :

به نام خدا

روزنامه محترم شرق ،سرمقاله امروز ، « مرده ریگ سلطنت»جمله ای داشت که در آن آقای قوچانی در بررسی دوران‌پایانی سلطنت محمد رضا[شاه] به دنبال بهانیت ، نامی از زردشتی گری آورده اند که از چو ایشان بر زبان آوردن چنین پیوند نام‌میمونی دور از ذهن می نمود. یا ایشان به دلیل مشغله زیادروزنامه نگاری نتوانسته و یا نمی‌توانند تاریخ مردم زرتشتی را مطالعه کنند و یا در این «جسباندن» قصد و غرضی وجود داشته است.

گرچه زرتشتیان و دیگر مورخان در مودنی ساختن تاریخ معاصر زرتشتیان کوتاهی کرده اند ، اما این طور نیست که از لابلای متون و اسناد تاریخی این قوم مظلوم ، و البته سرافراز، خیانت های بهائیان به زرتشتیان بیرون نیاید. یک زرتشتی ، در این زمان ، و نیز در آن زمان ، هر کدام به نحوی تحت فشار روانی ناشی از اقلیت بودن و یا حمایت کاذب ، قرار گرفته است و چون وسیله ای برای دفاع از خود و شاید جرأت حرف زدن نداشته ،همیشه سکوت کرده است و البته که این سکوت علامت رضا نیست.

جناب قوچانی ، اگر تاریخ واقعی این قوم را بخوانند ، سراسر خدمت است به ایران و جان بازی در راه وطن. که زرتشتی هر کجا بوده و باشد قبله اش ایران است و ایمان دارد نوری از این سرزمین اهورایی برخواهد تابید که جهان را روشن خواهد کرد. چگونه می توان زرتشتیان را با قومی پیوند داد که [...]شان برای هر ایرانی چون روز روشن است ؟! به عنوان یک زرتشتی ، هم دوره پهلوی از ساتاگرایی کاذب و پوچ شان رنج می رد‌م و هم در دوران که ماهوراه‌های پی در و پیکر خارج نشین و سلطنت طلبان از «اشو زرتشت» و زرتشتیان برای مقاصد خاص نام می برند و به نام ملیت و مذهب ایرانی و باستانی می خواهند دوگانگی فرهنگی ایجاد کرده و از آب گل آلود ماهی بگیرند.و بر رنج نام هایم یکی هم سرمقاله امروز روزنامه شرق افزوده شد!

امیدوارم قوچانی عزیز درباره زرتشتیان و مردم زحمت‌کش و ایران دوست این قوم بیشتر مطالعه کنند تا دیگر شاهد چنین نوشته هایی از ایشان نباشیم.

بوذرجمهر پرخیده ۱۲ مهر ۸۳

به نام خدا

جناب آقای بوذرجمهر پرخیده‌با سلام

نامه شریفه حضرتعالی را روبت کردم.نقطه نظر شما کاملا درست است. متأسفانه در اصلاح نهایی مقاله من عبارت باستانی‌گرایی به جای زردشتی گری اصلاح شده است .متأسفم . از تذکر شما ممنونم .

امیدوارم در جایی دیگر علاقه خود را به این هموطنان عزیز ابراز کنم . جبران نمایم.

با تشکر محمد قوچانی

در نهایت تأسف در گذشت شادروان موبد دکتر جهانگیر اشیدری که از محققین برجسته زرتشتی و از فرزندان راستین ایران زمین بود به بازماندگان آن روانشاد تسلیت عرض می‌نماید.
گو اینکه کالبد فیزیکی آن موبد گران سنگ در بین ما نیست ولی هستی و فروهر او وجود دارد و یاد و نامش گرامی می ماند .ای بزرگ مرد تاریخ زرتشتیان کرمان روانت شاد و فروهرت جاوید باد.
انجمن زرتشتیان کرمان

یادداشت

موبد پدرام سروشپور

آنان که تنها دغدغه شان بقای جامعه و فرهنگ زرتشتی بود(۱)

به مناسبت نخستین سالگرد درگذشت موبد هرمزدیار خورشیدیان‌و درگذشت موبد دکتر جهانگیر اشیدری

بار اصلی تاریخ بر دوش بزرگ مردان و زنانی سنگینی می کند که در برهه های حساس توانسته اند با تکیه بر مسؤولیت تاریخی و بنیه فرهنگی خود پایداری کرده و تاریخ را به درستی به پیش برانند . بی شک بزرگترین ایشان در تاریخ معاصرزرتشتی موبدان بوده‌اند. بزرگ مردانی که در طول حیات پر افتخار خود ، بزرگ‌ترین خدمات را در جهت بقا و پایداری جامعه زرتشتی به انجام رسانیده اند . آنان که تنها دغدغه شان بقای جامعه و فرهنگ زرتشتی بود.

فرهنگ زرتشتی دارای جهانبینی ، فلسفه و عرفان کم نظیر و با ارزشی است که در جهان حرفهای زیادی را برای گفتن دارد . جهانبینی که بخش اعظم آن که از گاتها ، گفته های اشوزرتشت نشأت گرفته است هنوز هم در دنیای امروزی بکر و کم استفاده مانده است .

این باور تاریخی به ارزش و شناخت فرهنگ زرتشتی پدران و مادران ما را در دورانهای سخت بی قانونی ها ، کشتارها ، کتاب سوزیها و تاخت وتازهای وحشیانه استوار و پایدار نگاه‌داشته ، تا به امروز که این فرهنگ کهن و ریشه‌دار را به ما رسانده‌اند .

اگر چه امروزه با استیلای قانون ، پاسداری از ارزشها و فرهنگها هموارتر و آسان تر می نماید ولی با گسترش بیش از حد ارتباطات و آگاهیها ، جوامع امروزی با تحولی نوپا و بزرگ به نام جهانی شدن مواجه شده اند . عاملی که در کوتاه مدت تمام جوامعی را که از بنیه و استقامت خوبی برخوردار نباشند به راحتی در خود حل می نماید . جامعه زرتشتی نیز از این مقوله خارج نیست . جدایی و بی تأثیری و کمرنگ شدن بخشهای اصلی و پایه‌ای جامعه از قبیل تحصیل کرده ها ، اندیشمندان ، جوانان و روحانیون در قبال فرهنگ زرتشتی در چند دهه اخیر از نتایج همین امر می باشد و اگر ما نتوانیم در فرهنگ و جامعه خود عوامل قوی و پایداری را در راستای این حرکت جهانی پیدا کنیم نه تنها در این تحول ، بی‌تأثیر و ناپایدار خواهیم بود بلکه ناخودآگاه در مسیر افول و نابودی جامعه خود حرکت خواهیم کرد . در عوض اگر در این برهه حساس تاریخی اندیشمندان و متفکرین جامعه بتوانند با شناخت تحلیلی و درست بخشهای تفکیک شده جامعه ، حرکتی منطقی و اصولی را برای جامعه ، در دنیای امروزی تعریف نمایند نه تنها باقی خواهیم ماند ، بلکه مطمئنا با تکیه بر جهان بینی گاتهایی می توانیم این حرکت بشری را در جهت دستیابی به آرمانهایی چون عدالت ، آزادی خواهی ، پیشرفت همه جانبه و صلح و دوستی راهنما نیز باشیم .

از آنجایی که جامعه زرتشتی حول محور مشترکی به نام دین زرتشتی تشکیل شده است در طول تاریخ روحانیون زرتشتی از ارکان اصلی جامعه زرتشتی محسوب می شده‌اند . البته من در این نوشتار قصد ندارم به صورت یک جانبه به دفاع از روحانیون و عملکرد ایشان بپردازم بلکه قصد دارم زمینه را برای ایجاد بحث ، گفتگو ، تبادل نظر و حتی انتقاد از این بخش مهم از جامعه زرتشتی باز نمایم به این امید که اینگونه بحثهای تحلیلی ، هدفمند و سودمند در مورد بخشهای مختلف جامعه زرتشتی به زودی جای خود را در بین اقشار جامعه باز کرده تا بتوانیم ، با ارائه تعریفی نو و تکیه بر داشته های پر بار این فرهنگ ، رو به جلو حرکت نماییم .

تحلیل تاریخی

انجمنی که با نام انجمن مغان به ابتکار پیامبر باستانی ایران اشوزرتشت در ۳۷۴۲ سال پیش تشکیل گردید به مرور با گسترش دین بهی در سراسر ایران جایگاه خاص و والایی را در جوامع زرتشتی پیدا کرد . ایشان آیین های مقدس را برگزار می کردند و و در دانش دین ، عرفان ، فلسفه ، احکام قضایی و نیز علوم مختلف تبحر می یافته‌اند . ایشان بزرگترین حامی و نگهدارنده اوستا به عنوان ادبیات کهن ایران باستان نیز بوده‌اند و در زمانهای دور بارها این کهن نامهٔ فرهنگ ایرانی را با تمام وجود حفظ کرده‌اند . بعد از حمله اسکندر مقدونی و استیلای فرهنگ یونانی بر ایران با رشادت و دلاوری فرزندان پارت (اشکانیان) به خصوص بلاش اول ، بار دیگر غرور و فرهنگ ایرانی احیا شد ولی این فرزندان بابک مغ بودند که تحت نام ساسانیان توانستند فرهنگ زرتشتی را در ایران زمین استیلای دوباره ببخشند . البته عملکرد موبدان در دوران ساسانیان و تاثیرات مثبت و منفی ایشان در ساختار قدرت پادشاهان ساسانی امری بسیار پیچیده و حساس است و یک پژوهش کامل و بی نقص را می طلبد که در این بین عوامل مختلفی چون ماهیت معنوی ، سطح دانش ، توان بازدارندگی ، تعداد موبدان بدعت گذار و حکم گرا ، طبقه بندی موبدان به دو گروه درباری و مردمی ، میزان نقش و سوءاستفاده پادشاهان از قدرت دین به کمک این موبدان درباری و موارد بسیاری باید مد نظر قرار گیرد تا بتوان به یک نتیجه منصفانه و درست دست یافت از این رو تنها به همین سخن دکتر بوذرجمهر مهر خطاب به کسانی که به راحتی دوران ساسانیان را زیر سؤال می برند اشاره می کنم : [درحالیکه جهانیان به بخشهای مختلف تاریخ و فرهنگ ما می بالند این درست نیست که ما با بی‌مبالاتی از روی ناآگاهی و گاه سودجویی ، تاریخ و فرهنگ خود را اینگونه مورد تعرض قرار دهیم .

بعد از ورود اسلام به ایران ، زرتشتیان با دلی پاک در جهت غنای فرهنگی این ایدئولوژی نوپا گام برداشتند ولی از طرف دیگر آن بخش از زرتشتیان که کمر غیرت به پایداری و حفظ جامعه زرتشتی برداشته بودند در دوره های مختلفی با فشارها ، تهاجمات و مشکلات فراوانی دست و پنجه نرم کردند . در ابتدا بی خردی ، کم دانشی و جاه طلبی امویان و عباسیان و در ادامه تازش مغولان ، افغانها و ترکها (در قالب سلسله های صفویه ، قاجاریه و ...) بارها عرصه را بر زرتشتیان تنگ کرد .

به طور مثال امویان و عباسیان طی چند قرن حاکمیت خود از خون امامان شیعه که وارثان واقعی پیامبر بوده و همدین خودشان هم بودند نگذشتند و هر کدام از ایشان را به حیله و مکری زندان و به شهادت رساندند حال پرسش اینجاست که ایشان با روحانیون و سران جامعه زرتشتی چگونه رفتار می کردند . به گفته استاد شهریار :

بدان با جان پاک موبدان آزارها کردند
سر گردن فرازان را فراز دارها کردند

از طرف دیگر هر جامعه‌ای تا زمانی می توانست نام زرتشتی را با خود داشته باشد که حداقل یک موبد زرتشتی را در دل خود می‌داشت و بالعکس اگر در جامعه‌ای مقاومت این قشر در هم می شکست یا پس از کشته شدنشان کسی جرأت نمی کرد جایگزین ایشان شود دیگر آن جامعه نمی توانست زرتشتی بماند و همین امر فشار اصلی حملات را بر این قشر جامعه متمرکز کرده بود .

وجود اقوام بسیاری در نقاط مختلف از خراسان ، مرکزی (ابیانه)، کردستان ، تاجیکستان که با سنتها و آداب و رسومی کاملا زرتشتی زندگی و بارها حتی منابع علمی آنها را نیز زرتشتی خوانده‌اند ، دلیلی است بر همین مدعا ، جوامعی که زرتشتی مانده‌اند اما بدون روحانی و صاحب دانش دینی ، که دیگر شاید هیچ گاه نتوان آنها را به پیکره جامعه زرتشتی وصل کرد .

دلیل دیگر بر این مدعا ، گهنبارها به عنوان مهمترین جشنهای دینی ما زرتشتیان می باشند . این جشنهای واجب دینی به قدری اهمیت داشته اند که در تاریخ آمده است برگزار نکردن یا شرکت نکردن یک فرد زرتشتی در این مراسم به معنی خارج شدن او از دین محسوب می شده است پس کاملا روشن است اگر جامعه‌ای از موبدانی که این مراسم را برگزار می کرده‌اند خالی می شد و این مراسم برگزار نمی شد جامعه به مرور مسیر خارج شدن از دین را می پیمود . تاریخ ما نیز از رشادتهای نوشته و نانوشته موبدانی که با اعتقاد و ایمانی مثال‌زدنی در بسیاری از دوره‌های سخت تاریخی برای حفظ نام زرتشتی پایداری کرده‌اند پر است بزرگانی چون موبد دینیار که تا پای جان زرتشتی ماندند و غیرت زرتشتی بودن و استقامت را به بازماندگان خود آموزش دادند .

شش ماه از انتخابات انجمن زرتشتیان تهران می گذرد

تکرار تاریخ

یازدهم اردیبهشت ماه ارسال جمعیتی که در تالار خسروی گرد آمده بودند تا ۲۱ نفر هموند اصلی و ۷ هموند جانشین(علی البدل) گردش ۴۰ انجمن زرتشتیان تهران را بر گزینند به این امید بودند تا این بار بر خلاف چهار سال پیش که تایید انتخابات انجمن بیش از ۸ ماه به طول انجامیده بود . وزارت کشور در مدت کوتاهی این انتخابات را مورد تایید قرار دهد ، اما اکنون و با گذشت شش ماه از برگزاری این انتخابات گویی تمامی آن امیدواری ها به یاس تبدیل شده است .

کمیسیون ماده ۱۰ احزاب وزارت کشور که وظیفه بررسی و تایید نهایی انتخابات نهادها و سازمانها و احزاب را بر عهده دارد ، تا کنون یا پرونده انتخابات انجمن زرتشتیان را در دستور کار قرار نداده و یا جلسه ای برای این کار نداشته است . و پس از ۶ هفته با معرفی نمایندگان قوه قضائیه و دادستانی روز ۲۵ مهرماه تشکیل جلسه داد.

فرشید عزتی ، رییس هیات نظارت بر انتخابات که کوشش‌های بسیاری را برای تایید هر چه سریعتر این انتخابات انجام میدهد ، به همین دلیل نامه ای را برای آگاهی همکیشان ۲۳ مهرماه نوشته است با این محتوا:

احتراما ، به استحضار همه همکیشان عزیز می رساند که پیرو دستور جلسه مجمع عمومی فوق‌العاده انجمن زرتشتیان تهران مورخ ۸۳/۲/۴ و انتخاب بنده و اعضا محترم نظارت بر انتخابات گردش ۴۰ بمنظور برگزار ی این انتخابات ، خوشبختانه این انتخابات با نظارت نماینده وزارت کشور در تاریخ ۸۳/۲/۱۱ برگزار گردید و صحت آن مورد تایید نماینده محترم وزارت کشور آقای محمدی قرار گرفت و برگزیدگان محترم ۲۱ نفر اعضا و ۷نفر علی البدل انتخاب و جهت تشریفات قانونی در تاریخ ۸۳/۲/۲۰ با شماره ۳۹/۱۶۵به اداره سیاسی اقلیت های وزارت کشور تحویل گردید.

تا بحال چندین بار کار از مسولان محترم آن اداره آقایان محمد زاده ، روحانی و خانم اندوهگین و دفتر آقای باقری ریاست محترم اداره سیاسی وزارت کشور جویا و پیگیری نموده ایم که فرمودند پرونده باید در نوبت باشد تا وقتش برسد و حتی وقتی از رخوت و خمودگی و بی سامانی انجمن سخن با میان آمد فرمودند چاره ای نیست باید در نوبت بماند. لذا با توجه به شرحی که رفت ما باید منتظر بمانیم تا وزارت کشور اداره سیاسی امور اقلیت ها بعد از حدود پنج ماه و اندی پرونده انتخابات این انجمن را انشاله به مرحله بعدی که رسیدگی در کمیسیون ۱۰ است مطرح و نتیجه را اعلام فرمایند. بدینوسیله از همه مسولان محترم و دست اندکاران آن وزارتخانه بخصوص جناب آقای باقری ریاست محترم اداره کل سیاسی خواهشمند است دستور مقتضی به منظور تسریع در کار را صادر فرمایند تا انجمن از این بلاتکلیفی و بی سامانی و رخوت و سردرگمی خارج گردد.

رونوشت این نامه برای کورش نیکنام ، رهیافته زرتشتیان به مجلس هفتم شورای اسلامی جهت آگاهی و دستور مقتضی ، باقری ریاست اداره کل سیاسی وزارت کشور جهت دستور مقتضی و انجمن زرتشتیان تهران ارسال شده است .

کورش نیکنام نیز که در زمان برگزاری انتخابات تلاش های بسیاری را برای برگزاری این انتخابات در زمان مقرر داشت و بسیاری از برگزیدگان کنونی گردش ۴۰ از حامیان وی در انتخابات مجلس بوده اند پیگیر این موضوع بوده است . وی در هفتصد و چهل و نهمین نشست کنکاش یگانگی در روز ۲۳ مهرماه با اشاره به تماس های تلفنی که با مسئولان وزارت کشور داشته است بر پیگیری خود در این موضوع تاکید کرد . هرچند که این پیگیری ها تنها تلفنی بوده اند .

چه به گفته خود نیکنام ، رهیافتگان به مجلس دارای شان خاصی هستند و تنها با معاونت های پارلمانی وزارت ها سرو کار دارند. هر چند که در دوره پیش و با پیگیری های دبستانی نماینده وقت زرتشتیان در مجلس تایید این انتخابات ۸ماه به طول انجامیده باشد.

به هر حال انجمن زرتشتیان تهران شش ماه است که در غیاب هیات مدیره ، با یک هیات رئیسه چهار نفره اداره می شود وبنابر اساسنامه در دوران «فترت» به سر می برد .جامعه زرتشتی هنوز هم امیدوار است با پیگیری هیات نظارت و همچنین نیکنام ، رهیافته زرتشتیان به مجلس شورای اسلامی تایید این انتخابات هرچه زودتر از سوی وزارت کشور اعلام شود ، هر چند زمان آن هنوز نامشخص است و پرونده انتخابات انجمن زرتشتیان تهران و همچنین کانون دانشجویان زرتشتی روی میز کمیسیون ماده ۱۰ احزاب.

کنکاش یگانگی نیازمند انسجام اندیشه ها

هفتصد و چهل و نهمین نشست کنکاش یگانگی پس از یک هفته وقفه پسین روز ۱۸ مهرماه در محل نشست های انجمن زرتشتیان تهران برگزار شد .

نشست هفتصد و چهل ونهم در حالی برگزار شد که با آمدن کورش نیکنام رهیافته زرتشتیان به مجلس هفتم شورای اسلامی هر نشست با دستور جلسه خاص برگزار می شود . دستور جلسه این بار هم مشکل بیکاری جوانان بود موضوعی که بسیاری از سخنرانان این نشست ترجیح دادند تا پیرامون آن نگویند تعداد افرادی که در این مورد اظهار کردند اندک بود.

رستم شهریاری از جوانان گرداننده پایگاه اطلاع رسانی اینترنتی (یتااهو) ازجمله سخنرانانی بود که موضوع خود رادر این موردبرگزیده بود . وی اقدامات لازم برای حل مشکل بیکاری جوانان را به دو بخش کوتاه مدت وبلند مدت تقسیم کردو گفت: در کوتاه مدت می توان اعطای وام بدون بهره برای کارهای کم سرمایه و دادن مکان اداری- تجاری بدون دریافت اجاره به جوانان جویای کار به آن ها کمک کرد. شهریاری همچنین به کمبود فارغ التحصیل در رشته هایی مانند حقوق و ادبیات اشاره کرد. اعطای وام به جوانان از سوی تشکل های زرتشتی پیشنهادی بود که از سوی فرین فراورنی از زرتشتیان ساکن کرج و حاضر دراین نشست نیز ارائه شد هر چند بیشتر سخنان وی خارج از دستور جلسه بود.

فرشید عزتی نیز از دیگر سخنرانانی بود که بخش دوم سخنان خود را به مشکل بیکاری جوانان اختصاص داد . وی در مورد این مشکل گفت : مشکلات جوانان مانند بیکاری ، بی هویتی ، مهاجرت و دیگر مشکلات مسلما در جامعه غیر زرتشتی نیز وجود دارند و مشکلات ما با مشکلات کلی جامعه پیوند دارد.عزتی مبنای تمامی حرکت های اجتماعی راوجود ساختارمالی و اقتصادی درست دانست و گفت : ما باید کمیته آسیب شناسی داشته باشیم در این هنگام از سوی رئیس جلسه به او اعلام شد که وقت تمام است .

هخامنشی نیز در سخنانی در مورد مشکل بیکاری جوانان گفت: انجمن باید طرح جامعی داشته باشد و کمیسیونی از افراد متخصص طرح ها را بررسی کنند.برای طرح های کوچک می توان وام هایی به جوانان داد و تضمین هایی گرفت . دفتری باید در انجمن باشد که افرادی که به کار نیاز دارند به آنجا مراجعه کنند متاسفانه هم اکنون بسیاری از سرمایه های انجمن را کد است .

بحث در مورد اشتغال جوانان که دستور نشست بود به همین چند سخنرانی خلاصه شد و بقیه سخنرانان ترجیح دادند در مورد مسایل دیگر صحبت کنند . از جمله آنان پرویز ساسانی بود که از نیکنام خواست تا تلاش کند کنگره آینده جهانی زرتشتیان که قرار است در لندن برگزار شود ، در تهران باشد . همچنین وی از به کار مشغول شدن مدیر زرتشتی در مدرسه راهنمایی رستم آبادیان ابراز خوشحالی کرد واز کسانی که در این مورد تلاش کرده بودند تشکر کرد . کم شدن تعداد دانش آموزان زرتشتی مدارس زرتشتی و هزینه کردن های بی مورد انجمن زرتشتیان تهران درجشن مهرگان از دیگر نگرانی های پرویز ساسانی بود.

فرین فراورنی نیز پیشنهادکرد تا کارت شناسایی زرتشتی از بدوتولد برای افراد زرتشتی صادر شود و هر یک از افراد جامعه دارای یک کد دینی مشخص باشد که آدرس ، شغل ، میزان تحصیلات و دیگر اطلاعات را انجمن ها داشته باشند.

کامران گشتاسبی نیز درسخنانی با اشاره به مفهوم کلمه (ارزش) خاطر نشان کرد که باید به یک یک افراد جامعه ارزش داد تا به کل جامعه ارزش داده شود وی پیشنهاد برگزاری کنکاش هایی برای جوانان ،زنان ، سازمان، و زرتشتیان خارج از کشور را ارایه داد.

ماده ۸۸۱ مکرر از ۲۵۲ قانون مدنی : کافر از مسلم ارث نمی‌برد و اگر در بین وارث متوفای کافری ، مسلم [وجود داشته] باشند، وراث کافر ارث نمی برند. اگرچه از لحاظ طبقه و درجه مقدم بر مسلم باشند.

مهران سپهری نیز در این نشست پیشنهاد کرد تا تایید انتخابات گردش ۴۰ انجمن تهران به صورت یک اجازه موقت از وزارت کشور گرفته شود تا بخشی از کارها انجام شود . وی اشاره کرد که پیش ازاین یک بار انجمن زرتشتیان کرمان این کار را کرده است.کورش نیکنام رهیافته‌حوزه زرتشتیان به مجلس شورای اسلامی دوره هفتم گزارش کار خود را به باشندگان ارایه دادکه شامل شرکت در همایش جوانان استان یزد در تالار انجمن قاسم آباد و شرکت در سالگرد گشایش درب مهر گوهر و مهربان بود .

نیکنام البته به یافتن نظریه ای در مورد قانون ۸۸۱ مکررقانون مدنی که وی از آن به عنوان یک شاهکارنام برد اشاره کرد و کپی این نظریه در بین باشندگان توزیع شد. بر اساس این نظریه تقسیم ارث متوفی غیر مسلمان ، چه در میان وارث او شخص مسلمان و یا غیر مسلمان باشد ، بر اساس احوال شخصیه فرد متوفی خواهد بود.این نظریه در حالی ازسوی نیکنام ارایه شد که تاریخ تدوین آن به سال ۱۳۷۹ باز می گردد و تاکنون حکمی براساس این نظریه داده نشده است. البته پیش از این نظریه‌هایی در مورد قانون دیه وجود داشت که براساس آن ها - پیش از برابر شدن قانونی دیه مسلمانان و غیر مسلمانان- برخی دادگاه های مربوط به مسیحیان دیه را برابر در نظر گرفته اند .

نیکنام همچنین در مورد حکم آدریان بزرگ تهران‌بدون آنکه به فعالیت های خود دراین باره اشاره ای کند ، گفت : دو نظریه دردیوان عالی کشور وجود دارد که یکی به پرداخت ۱۵ میلیون تومان و دیگری به پرداخت ۱۹۷ میلیون تومان به سرایدار آدریان اذعان دارد. نشست هفتصد و چهل ونهم در حالی به پایان رسید که بحث اشتغال جوانان که دستور نشست بود چندان با استقبال روبرو نشد و بدون رسیدن به نتیجه ای مشخص پایان یافت . نشست بعدی کنکاش پسین روز پنجشنبه ۷ آبان (پس فردا) خواهد بود.

نتایج دومین دوره پیکارهای ورزشی جام همتی

کرمان -خبرنگار امرداد : **دومین دوره پیکارهای ورزشی جام همتی (یادواره شادروان بیژن شهریاری) از ششم تا سی ام شهریور ماه در محل باشگاه اردشیر همتی کرمان توسط هیئت مدیره گردش هشتم این باشگاه و با همکاری انجمن زرتشتیان کرمان در قالب هفت رشته ورزشی برگزار شد .**

اولین دوره این جام در سال ۱۳۷۲ برگزار شده بود که پس از یک دهه وقفه دوباره از سر گرفته شد و بنا براعلام هیئت مدیره باشگاه اردشیر همتی این جام در سالهایی که جام اشا برگزار نمی گردد ، انجام خواهد شد،دادفر رستمی رئیس هیئت مدیره این باشگاه هدف از بر گزاری این جام را شناخت استعداد ها و حفظ انگیزه و آمادگی ورزشکاران عنوان نمود.

مراسم اختتامیه این پیکارها همزمان با برگزاری جشن مهرگان در محل باغچه بوداغ آباد کرمان برگزار گردید . دادفر رستمی رئیس هیئت مدیره باشگاه اردشیر همتی گزارش کاملی از روند برگزاری جام و موفقیتهای کسب شده توسط این باشگاه در یک سال گذشته و برنامه های آتی ارائه داد. وی عضویت چند بازیکن از

نوذری (رئیس انجمن زرتشتیان کرمان، شهرام پوردهی (مربی تیم) و نوشین مهران، فریبا غیبی، پانیذ نیا ایران

تیم فوتبال نو نهالان این باشگاه در تیم مس کرمان و استفاده ۸۰ درصدی از بازیکنان این باشگاه در تیم بدمینتون نوجوانان استان کرمان را از شاخص ترین موفقیتهای باشگاه بر شمرد . در ادامه شهرام پوردهی هماهنگ کننده جام طی سخنانی استقبال و حضور پر شور همکیشان در برنامه های گوناگون را مهمترین عامل در برگزاری موفقیت آمیز برنامه ها بر شمرد و گفت : ((حضور ما و تلاشهای ما با حضور شما عزیزان معنا می‌یابد))، وی به دلیل پایان یافتن اقامتش در کرمان از مهمان نوازی کرمانیها تشکر و از حاضرین خداحافظی کرد. در ادامه با حضور رئیس انجمن زرتشتیان کرمان از مربیان باشگاه و برگزار کنندگان جام تقدیر بعمل آمد و سپس لوح ها و جوایز نفرات برتر در میان تشویق بی وصف حاضرین به ایشان اهدا شد . بعد از پذیرایی که توسط سازمان زنان انجام شد،

پایان بخش برنامه اختتامیه اجرای برنامه شاد توسط یکی از گروه های پر طرفدارکرمان بود که مورد استقبال حاضرین قرار گرفت.

در حاشیه پیکارها و مراسم اختتامیه :

-داوری کلیه مسابقات این جام را ورزشکاران همان رشته ها بر عهده داشتند ورضایت نسبی بازیکنان این علامت سوال را مقابل ما قرار می دهد که چرا در جامهای گوناگون از توانایی ورزشکاران زرتشتی در امر داوری بهره بر داری مناسب به عمل نمی آید تا مخارج هنگفت آوردن داوران صرف کارهای زیر بنایی شود.

-بیست و سوم شهریور ماه که مصادف با سالگرد در گذشت خیر اندیش روانشاد اردشیر همتی بود، در حین برگزاری یکی از پیکارهای والیبال بازیکنان تیم ها وتماشاگران به احترام وی یک دقیقه به سکوت ایستادند .

-در روزبرگزاری مسابقات فینال رشته های فوتبال و والیبال از تماشاگران با آش و شیرینی پذیرایی بعمل آمد.

-پیش از آغاز برنامه شاد مراسم اختتامیه اعضای تیم والیبال بانوان اردشیر همتی کرمان در اقدامی قابل ستایش با اهدای هدیه ای نفیس از زحمات شهرام پوردهی مربی خود قدردانی نمودند.

مدیریت در جامعه زرتشتی

فرشید عزتی

در بحث گذشته یک تصویرکلی از مدیریت را بر شمردیم و حال به جزئیات می پردازیم:

در جامعه زرتشتی مخصوصاً در اساسنامه انجمن ها بخصوص انجمن زرتشتیان تهران مدیریت به شکل تعاونی و یا جمعی مد نظر ومعنا پیدا می کند. چرا ؟ به این دلیل که خـــرد جمعی خطای کمتری از خـــردفردی دارد. این اصل کاملا صحیح به اثبات رسیده و پذیرفته شده هر جامعه مترقی است این اصل لازم است اما کافی نیست چرا که شیوه اجرای هر اصولی یا قانونی مهم تر از خود اصول وقانون مدون شده است که اینجا بحث مدیریتی و آن هم مدیریت جمعی مطرح میگردد .

در اساسنامه فعلی انجمن زرتشتیان تهران ۲۱ نفر اعضاء و ۷ نفر علی البدل و ۳ نفر بازرس با انتخابات مردمی این وظیفه سنگین را به مدت ۳ سال به عهده می گیرند . پس ازتایید ازمراجع ذیصلاح کشوری و ثبت این اعضاء شروع به کار خواهند نمود . در اولین نشست پس از مراسم سوگند وفاداری به حقوق اجتماعی زرتشتیان و نه منفعت فردی ؛ از بین خود رئیس ،نایب رئیس ،خزانه دار و منشی با اخذ اکثریت آرا انتخاب میکنند. حال پیشنهاد بنده این است که این انتخاب داخلی ومهم را با چند جلسه تأخیربرگذار کنند چرا که با این شیوه اعضاء جدید بیشتر با هم آشنا می شوند و با بحث اغنایی به درک مشترک خواهند رسید که چه کسی برای چه کاری و چه سمتی مناسب تر است و گزینش صحیح تر انجام خواهد شد . دومین پیشنهاد اینکه اعضاء عزیز اساسنامه انجمن را کاملا دقیق مطالعه وپس از مطالعه در انجمن روی نکات مبهم بحث و تبادل نظر کنند تا به یک درک مشترک برسندو وظایف رئیس ونایب رئیس وخزانه دارو منشی را کاملاً روشن نمایند که چشم اسفندیار است و بیشتر بحث کنند تا متوجه شوند که هیئت ریسه هم مثل تمام اعضاءفقط یک رای دارد نه کمترو نه بیشترو همه تصمیمات انجمن با تصویب دو سوم آرا قابل اجراء میباشد و عدول ازآن و تصمیم خودسری و انحصاری ظلم است به اعضاء و جامعه و اگر لازم است که حتماً هم لازم است آیین نامه اجرایی داخلی برای اجراء وارتباط صحیح نوشته شود. یعنی آئین نامه اجرایی امور مالی و ارتباطش با انجمن ؛کمیسیون ها و تصمیمات وارتباط اش با انجمن ؛ حتی اگر لازم است ایجاد کمیسیون تحقیق و برسی و برنامه ریزی به منظورروشن نمودن دستور جلسه ها و موضوع های مبهم و تدوین برنامه میان مدت و کوتا مدت به منظور کنترل هر موضوع وتصمیم گیری درست .

تهیه لیستی از کارهایی که بایست در سال آتی انجام بشود و سپس اولویت بندی و زمان بندی کارها و پیرو آن تهیه و بر آورد تراز بودجه ای انجمن(فلان نیازمالی) برای سال آتی که بر اساس لیست کار های تدارک دیده شده امسال(آنچه باید بشود) وتراز مالی سال گذشته با تمام سرفصل های آن و امکانات مالی(وام؛ درآمد ها ؛صندوق کمک های مردمی و ...) فراهم میگردد تا بدین وسیله هم خودمان بدانیم کمبود مالی چقدار است و یا اینکه تراز عملکرد را تعدیل نماییم تا به سطح بو دجه برسانیم و یا به اطلاع همکیشان برسانیم که در چه وضعی هستیم . این تدارک باعث می شود که در پایان سا ل ما با مقایسه تراز واقعی پایان سال با تراز بودجه ای ودرک تفاوت ها به ضعف مدیریت در هر بخش کاملا آگاه شویم و در رفع آن بکوشیم .

۲- به منظور اجرای صحیح ترازبودجه ای تدارک دیده شده فوق احتیاج به مدیریت صحیح میباشد که عوامل مدیریتی را بیشتربه منظور افزایش ظرفیت مدیریتی بهترو یا ایجاد انگیزه حرکت به این سمت به شرح زیر به اطلاع میرسانیم :

الف - رهبریت : یکی از مهم ترین عوامل مدیریتی است که مستلزم داشتن اعتماد به نفس؛ پر انرژی؛بشاش وبانشاط ؛ سخنوری عالی ؛ ارتباط عالی و دوستانه با افراد و سازمانها و توجه به پتانسیل های سازمان ها و افراد و ارج گذاری به این پتانسیل ها برای ارتقاء آن ؛ داشتن حداقل اطلاعات در امور مالی یعنی شناخت ترازمالی وحقوقی و سیاسی ؛ داشتن ریسک پذیری بالا و البته در انجمن داشتن اطلاعات کافی دینی است.

ب - برنامه ریزی : برنامه ریزی کوتاه مدت ؛میان مدت ؛ بلند مدت و تقسیم یک برنامه سنگین به برنامه های جزیی تر یا چندین برنامه برای اجرای ساده تر ؛ داشتن شیوه وتاکتیک های لازم برای رسیدن به این برنامه و فرموله کردن آن برای دستیابی و آسان و همه کس فهم ؛ ارزیابی مداوم مدام برنامه ها با پیشرفت کار و اصلاح کار و برنامه .

ج - سازماندهی :رسم فلوچارت و یا رسم خط ارتباط کاری هیئت رئیسه ؛ پرسنل ها ؛ کمیسیون ها با یکدیگر و هیئت مدیره ؛ تعریف هر شغل به طور کامل و برگزیدن بهترین پرسنل با مهارت بالا برای هر شغل یعنی داشتن تیم کاری عالی و مناسب ؛ افزایش مهارت دانش کار با کامپیوتر به منظور کاهش زمان بهره دهی بهتر و در صورت نیاز کارآموزی برای ارتقاء مهارت پرسنل .

د ـ کنترل : تهیه جدول زمان بندی کاری برای هر شغل یعنی زمان بندی لازم برای انجام مطلوب آن و فرمت بندی کار ؛ کنترل و ارزیابی کارکردفرد با پر کردن فرمت کاری روزانه و کنترل آن به منظور رشد وافزایش کارآیی پرسنل .

در پایان با آرزوی مشارکت همه اندیشمندان دراین چالش به منظور کمک به آنچه باید بشود و نمی شود .

نامه

دکتر باستانی پاریزی

خدمت دوستان و هم شهریان گرامی

فارغ التحصیلان و مسئولان و دبیران گذشته و فعلی دبیرستان های زرتشتیان کرمان

مجمع بزرگوارانهٔ شما را غنیمت می شمارم و سلام ارادتمندانهٔ خود را تقدیم می دارم و مثل هر کرمانی دیگر به میزان اهمیت خدمات فرهنگی این همشهریان اصیل و صاحب همت وقوف دارم.

تاریخ یک صد سالهٔ کرمان مشحون از فداکاری هایی است که معلمان و مدیران این مؤسسات به جامعهٔ کرمان تقدیم داشته‌اند.

من که سال های طولانی به عنوان مدیر و معلم در دبیرستان های این شهر خدمت کرده‌ام کاملاً وقوف دارم که میزان اعتبارات و بودجه مدارس این شهر تا چه حد کم بوده است ولی همت و بزرگواری معلمان و مدیران جبران این کمبود ها را می کرده است. من مدیران این مؤسسات را می شناختم که از ساعت ۷ صبح تا دیر وقت شب ، تمام هفته را در دبیرستان و دبستان گذرانده بودند و معلمان را می دیدم - چه مسلمان و چه زرتشتی - و چه مذاهب دیگر - که هفته ای سی ساعت و گاهی بیشتر یعنی تمام روزهای هفته را در سر کلاس به تدریس می پرداختند و این حد فداکاری است.

دبستان ها و دبیرستان های زرتشتیان ، یک عامل مهم توافق اجتماعی و هم زیستی و سازگاری و سازواری در جامعه کرمان بوده است و این بزرگ ترین فضیلت این مدارس است و همان چیزی است که من سال ها در تاریخ کرمان در جستجوی ریشه های آن بوده ام و نتیجهٔ آن آرامش روح و همیاری و ملایم کردن زندگی در این سرزمین های خشن و این بیابان های بی آب بوده است. سرزمین هایی که حداقل بهره را از مواهب طبیعی دارند، ولی به همت مردمان سخت کوش و سازگار و قانع آن بیشترین درآمدها و بهره ها را از خاک حاصل می کنند .

امیدوارم همیشه این خدمات فرهنگی دوام داشته باشد و سال های سال فرزندان این مرزو بوم از این امکانات بهر ببرند و بتوانند هر ساله یک اجتماع بزرگ مثل اجتماع امروز ترتیب دهند و یاد معلمان قدیمی خود را زنده نگهدارند .

۲۹ خرداد ماه ۱۳۸۰ - ژوئن ۲۰۰۱

جشن صدمین سالگرد گشایش دبیرستان ایرانشهر کرمان

ایرانشهر در فیروزبهرام

پسین روز آدینه ۲۴ مهر ماه ۱۳۸۳پله های دبیرستان فیروزبهرام را که بالا می‌آمدی ، عکس هایی توجه ات را جلب می کرد که نه قاب داشتند و نه چینش قابل توجهی . اما تمامی آنها یک وجه مشترک داشتند : تمامی آنها خاطرات یک عمر تحصیل در دبیرستان ایرانشهرکرمان بودند.

در سال ۱۲۸۵ شمسی که برابر بود با سال پیروزی

شهریارزاده ناصری ، شیدایی و راسخی(مدیر دبیرستان فیروزبهرام)- امرداد

مشروطیت ، این مدرسه در یکی از منازل مسکونی کرمان به نام مدرسه متوسطه ملی زرتشتیان دایر شد و سپس با کمک های مردمی و دهش خیراندیشان به مکان کنونی انتقال یافت . در سال ۱۳۱۴شمسی آقای علی اصغر حکمت هنگامی که کلنگ مدرسه ای را در یزد به نام ایرانشهر به زمین زد و سپس به کرمان مسافرت کرد ، مدرسه زرتشتیان کرمان را به نام مدرسه ایرانشهر کرمان تغییرنام داد.

این خلاصه ای بود از چگونگی به وجود آمدن دبیرستان ایرانشهر کرمان . شاگردان دیروز این مدرسه اما امروز در دبیرستانی دیگر متعلق به زرتشتیان و فرسنگ ها دور تر از کرمان در دبیرستان فیروزبهرام تهران گرد آمده بودند تا خاطرات گذشته شان را به یاد آورند .

شادروان میرزا برزو آمیغی مدیر سالهای دور ایرانشهر با آن چهره جدی و مصمم خود که در عکس هایش کاملا آشکار بود ، موضوع صحبت تقریبا تمامی شاگردان ، دبیران و مدیران پیشین این دبیرستان بود که همگی روزی شاگرد وی بوده اند و انگار هنوز هم مثل همان روزها همان حرف شنوی و بیم از فلک کردن ،؛ میرزبرزو؛ در آنها وجود داشت. شهریار زاده ناصری که در اوایل انقلاب مدیریت دبیرستان فیروز بهرام را بر عهده داشت ،اردشیر فرهمند کرمانی شاگرد دیروز ایرانشهر و دبیر بازنشسته و با سابقه زرتشتی ، شاهرخ کشاورزی دبیر بازنشسته که چندین سال در دبیرستان فیروز بهرام مشغول به تدریس بود و در ایرانشهرمعاون مدیر بود، سروش شیدایی دبیر بازنشسته که هنوز هم خستگی نمی شناسد و همچنان به تدریس مشغول است و منوچهر کاویانی دستگردی از جمله ایرانشهری های سابقی بودند که مجال یافتند تا در میان همکلاسی هایشان اندکی از خاطراتشان بگویند .

در این میان پیام شادروان موبد جهانگیر اشیدری که شاید واپسین دستنوشته های این موبد دانشمند زرتشتی بود برای این جشن بسیار جلب توجه می کرد . پیامی کوتاه همراه با تاریخچه‌ای از دبیرستان ایرانشهر که شاید تاریخی شود .

دکتر محمود روح الامینی مردم شناس و محقق برجسته ایران و استاد دانشگاه که او هم شاگرد دبیرستان ایرانشهر بوده از جمله سخنرانان این جشن بود . وی در سخنان خود با اشاره به اینکه در آن زمان در مدرسه ایرانشهر دانش آموزان از تمامی ادیان وجود داشتند گفت : در مدرسه ایرانشهر کسی حق نداشت در مورد دین صحبت کند و مدرسه اختصاص به زرتشتیان نداشت . کاش الآن هم می شد و مسایل دینی از مسایل تحصیلی جدا می‌شد .

دکتر بوذرجمهر مهر نیز از دیگر مهمانان و سخنرانان این همایش بود که در سخنانی با اشاره به دانش روز جهان گفت: ما باید حتما دانش جدید را درست در مدارس مان تدریس کنیم تا دیگر مصرف کننده تکنولوژی غربی ها نباشیم . و خود تولید کننده باشیم . در حالی که امروزه پایه تمامی علوم فیزیک و شیمی است ما هنوز در مدارسمان آزمایشگاه فیزیک و شیمی مناسب نداریم .

این جشن با برنامه های شاد موسیقی اجرا شده از سوی هنرمندان زرتشتی و صحبت های دانش آموزان دیروز دبیرستان ایرانشهر خاتمه یافت تا ایرانشهر همچنان به خود ببالد .

امرداد

صاحب امتیاز،مدیر مسئول:جمشید کیومرثی
سردبیر : کیوان هور
دبیر اجرایی:شاهرخ وخشوری
دبیران گروه ها :
بوذرجمهر پرخیده
آذر نوراوزوز
کیان مهر احمدی
فرزانه مهری
لیتوگرافی و چاپ :کیان
صندوق پستی: تهران ۱۵۸۵۵/۱۴۴
تلفن : ۱-۸۳۲۵۳۳۰
تمابر : ۸۳۲۵۳۲۹
مقالات چاپ شده الزاماً نظر امرداد نیست. امرداد در ویرایش مطالب آزاد است. امکان بازگردانیدن مطالب داده شده به امرداد وجود ندارد. استفاده از مطالب چاپ شده در امرداد ، تنها با ذکر منبع آزاد است
پست الکترونیک : info @amordad. net

هفته نامه
(هرآنکس دو هفته یکبار)
خبری- فرهنگی- اجتماعی
ناشر
بنیاد فرهنگی جمشید،جاماسبان.

روی هشتم

زنده باد مخالف من

خسرو بهلبن

همبستگی یک از مهمترین ملزومات هر جامعه است ، اما گاهی مشاهده می شود که این واژه تابناک حیات بشری تبدیل به بهانه ای برای قدرت طلبانی می شود که فقدان علم و آگاهیهای اجتماعی و سیاسی عامه مردم را به نفع خود می‌دانند. و تنها می خواهند جامعه ای که قدرت را در آن به دست گرفته اند جامعه ای باشد تحلیل ناپذیر

اما واقعیت این است که به همان اندازه که همبستگی و صلح و دوستی ارزش مند است و قابل احترام ، اختلاف در برداشت ها ، نگرشها و روشها موضوعی است بدیهی و با ارزش .

هنگامی که عدم تحمل اندیشه های مخالف و ضرورت سرکوب و ممانعت از اینگونه اندیشه ها در ذهن قدرت مداران آنچنان ریشه می دواند که حذف اندیشه و قلم مخالفان اقدامی درجهت ادای وظیفه تلقی شده و تدوین مبانی تئوریک این اقدامات ضد اخلاقی در دستور کار قرار می گیرد ، جامعه دچار ناآرامی شده و زمینه برای پدید آمدن چالشهای اجتماعی فراهم می شود ، امری که متاسفانه این روزها شاهد آن هستیم. به بیان دیگر هنگامی که پهنای دامنه نگاه ها آنقدر محدود باشد که از هر گونه اختلاف برداشت و سلیقه مغایر و یا حتی تحلیلی بی طرفانه که به زیان قدرت مداران باشد با نام دشمنی یاد می شود آنگاه رابطه ها بر اساس کینه شکل می گیرد ، موضوعی که عدم وجود آن را با خوشبینانه ترین نگاه ها هم نمی توان ثابت نمود.

در این میان نشریه های آزاد و مستقل با هدف ایجاد آگاهی و اصلاح ساختار سنتی می توانند به عنوان نمایانگران اندیشه در عرصه جامعه مدنی به ایفای نقش بپردازند. که متأسفانه پس از چندی باز هم شعار ایجاد همبستگی و حمایت از مسولان و عدم بیان انتقادها به کمک تازه به قدرت رسیدگان آمد و هر گونه نشریاتی که به چاپ نقدهایی از عملکردشان بپردازد را به زیان جامعه دانستند و وجود همان ساختار سنتی را از همه چیز بهتر دانستند. اما سابقه این امر نشان می دهد که عدم وجود یا مرگ یک نشریه به معنی مرگ یا نابودی اندیشه مخالف و نقد نخواهد بود بلکه در این مرحله شایعه ، تهمت و ایجاد جو بی اعتمادی جانشین شده چنانچه که هر انسان بی نظری باور خواهد کردکه تاوان این همه ناهنجاری ، از تحمل و پاسخگویی چند انتقاد و نقد به مراتب کمتر بوده است حتا به قیمت خارج شدن قدرت از دست قدرت مداران !

در صفحه ۱۰۲ کتاب «هرجنگ» آمده است: هنگامی که شهری به محاصره درمی آید موضوع مهم این است که به محاصره شدگان امکان زندگی نشان داده شود ، اگر به محاصره شدگان گفتید تا فرارسیدن مرگ بجنگند در این حالت هر یک از آنان به منظور نجات خویش خواهند جنگید، یعنی اگر آدمیان بدانند که راه حل دیگری برایشان نیست تا سر حد مرگ خواهند جنگید. پس جناح قدرت طلب اگر عرصه فرهنگ نقد را همچون عرصه جبهه و جنگ می دانند بهتر است قواعد بازی آن را هم رعایت کنند و به این مطلب بیشتر بیندیشند که اگر آدمیان بدانند که راه حل دیگری برایشان نیست تا سر حد مرگ خواهند جنگید.

پس وجود مخالف ها و برخوردهای فکری در جوامع آزاد همواره با رشد و گسترش اندیشه های انسانی و تکامل فکری همراه بوده و جوامع بشری از این راه سودها برده و بر بسیاری از مشکلات پیروز شده اند . مخالف من زوایای پنهان اندیشه و عمل ما کاویده و چونان ناظری هوشیار و پاسداری بیدار ، کوچکترین خطایم را با صدای بلند فریاد می‌کند و از افتادن در دام های بزرگ و غلطیدن در انحرافات عمیق نجاتم می دهد . وجود او باعث اصلاح مدام فعل و فکر و مراقبت های دائمی شده و موانع رشد کمال را از راه بر می دارد ، من به مخالف نیاز داشته ومخالف خویش را دوست دارم پس زنده باد مخالف من.

ساعت دموکراسی

رها ایزدی

قبل از تحریر:

جامعه ایران مدتی است در حالتی از انفعال توام با سکوت قرار گرفته است. هرکسی از ظن خود این سکوت را به چیزی تعبیر می‌کند و هر گروه و جناحی مایل است از این حالت عمومی به هر حال بهره ای برای منافع خود ببرد. گاهی ، این انفعال عمومی در سخن سیاست مداران رانده شده ، واکنش تنبیهی مردم است که یعنی ، تحقق مطالبات را انتظار داشته و ایجاد موانع متعدد باعث انزوای عمومی شده است و این بی حرکتی به زیان حکومت است.

عده ای دیگر در سوی دیگر، اشتباهات مسئولان را دلیل می‌آورند که شما آن همه شوق وافر را حرام خطاهای پی در پی خود کردید.

هرچه هست جامعه ایران حتی برای خاتمه دادن و یا بین مباحثه هم به میدان نمی آید و همچنان در سکوت ، تماشا می کند.....

افت تماشاگران فوتبال ها و تهی شدن استادیوم ها ، افت شدید تیراژ مطبوعات ، استقبال نه چندان زیاد مردم از محافل مذهبی و علمی و ....

پس مردم کجایند؟ به این پرسش فکر کنید. اگر مردم (یعنی بخش های زیادی از مردم) روی صندلی های سنگی استادیوم فوتبال نشسته اند یا سالن های تاریک سینما را پر نمی کنند یا روبروی دکه های روزنامه فروشی یا در کتاب فروشی ها اجتماع نکرده اند و محافل خصوصی و عمومی ، علمی و مذهبی از حضور آنان خالی است ، پس مردم کجایند؟

کاش می توانستم پاسخ های شما را بشنوم. اگر حوصله داشتید پاسختان را به یک نحوی به من برسانید. اما واقعا بیایید بر این سوال تامل کنیم. پرسشی سخت و پاسخ هایی سخت تر.....

از من بپرسید!

شلوغی یعنی عصبیت ، یعنی هرج و مرج ، یعنی کلافگی و بوق پشت بوق و فریاد پشت فریاد. یعنی در هم پیچیدن ماشین ها و وسوسه فراگیر برای فرار کردن.

آیا هیچ وقت فکر کرده اید که شلوغی ، یکی از دلایلش هم عبور و مرور آدمها یا ماشین های سرگردان است؟ گیجی ناشی از نابلدی مسیری که می خواهیم برویم و نمی دانیم بهترین راهش چیست؟ دارو خانه ای یا شرکتی و اداره ای را می خواهیم و از چند نفر می پرسیم وتازه از همین جا مشکلات شروع می شود.

ما - همه ما- یک درد بزرگ داریم. یک مرض اساسی و آن هم اینکه به یک واژه آلرژی شدید داریم. نمی توانیم از آن استفاده کنیم. سختمان است. کوه را جابجا می کنیم، آدرس های پیچ در پیچ می‌دهیم و نابلد را دور هزار میدان و فلکه می چرخانیم اما نمی‌توانیم در برابر کسی که مستاصل ایستاده است و از ما آدرسی را می پرسد بگوییم:«نمی دانم!»

و این می شود شلوغی ، کلافگی ، سرگردانی ، گژ کردن بیخود خیابان ، ترافیک..... خیلی شلوغش کرده ام؟ این طور ها هم نیست؟ اغراق می کنم؟

نمی دانم- شاید. اما ای کاش می شد آماری گرفت و دانست که روزانه چقدر آدرس دادن های اشتباه باعث این معضلات می شود و چقدر تا آشنایی با جغرافیای شهر ، موجب شلوغی.

شهرداری ، اخیرا در میادین شهر ، دکه های آراسته ای را تدارک دیده به نام «پایگاه های اطلاع رسانی شهری» و روی هر کدام از آنها یک جمله اساسی نوشته شده:«از من بپرسید». کاش می شد آماری گرفت و دانست استفاده از این روش و تاسیس این پایگاه ها چقدر به حل معضلاتی که گفتم کمک کرده است.

هیچکدام از این آمارها را نمی شود گرفت. اما مهم نیست. اینکه متولی این عمل در نهایت شهرداری تهران باشد هم چیزی از سودمندی این کار در نگاه دیده بان دموکراسی کم نمی کند.

اگر خواندگان عهد کنند، برای تکرار کلمه «نمی دانم» و راهنمایی نابلد ها سوی این پایگاه ها کمی زحمت به خود بدهند می توان با خیال راحت ساعت دموکراسی را ۲۰ ثانیه جلو کشید.

قدرت را با کرشمه نمی دهند

آقا من از شما خواهش می کنم! شما تشریف بیاورید برای ایفای رسالت تاریخی.

آقا به جان شما نمی شود، فکر مردم را بکنید!

شما که مسئولیت پذیر بودید، آقا مسئولیت است، تکلیف است خوب است همه چیز از دست برود؟ فرمایید آقا!

شما بیایید، بقیه اش با ما، هر کاری که شما بگویید می کنیم.

آقا این حرف آخرتان است؟

اینطور که نمی شود؟ یک مقدار دیگر فکر کنید؟

یعنی نه؟ نه که نه؟ ای بابا، خیلی بد شد!

اصلا هم بد نشد. کسی که می خواهد قدرت را در سینی طلایی به او تعارف کنند و همه راه ها را پیشاپیش برایش باز بگذارند و ملت و دولت و منتقدان و رقیبان تعهد محضری بدهند که شان والای مقام محترم خدشه ای وارد نیاورند و تاریخ هم تعهد کتبی بدهد که از این شخصیت بی بدیل در تمامی اعصار و ادوار به نیکی یاد کند و نسل های آینده قول بدهند که در مرور ایام زمادری ایشان ، حرف تندی یا نقد بی موردی نکنند و همه دستگاه ها و نهادها سوگند یاد کنند که همه امکانات خود را در جهت انجام فرامین و تحقق ایده آل های مقام شامخ خرج کنند.....این مقام شامخ محترم بهتر است در خانه و در کنار همسر فرهیخته اش بماند و از خانه بیرون نیاید مگر در جهت انجام دستورات سرکار علیه و برای تهیه نان تازه صبحانه.

میر حسین موسوی نیامد و چه خوب شد که نیامد. دیده بان دموکراسی ساعت را ۳۰ ثانیه پیش می کشد و دلیل آن را هم به صراحت ، انصراف آخرین نخست وزیر ایران از کاندیدا توری انتخاب ۸۴ اعلام می کند.

قدرت را با کرشمه به کسی نمی دهند. باید به دستش آورد و حفظ کرد. جامعه ایران دموکراسی می خواهد. نهادها و احزاب و هسته های مدنی به جای خود. اما آن بخش مسئولیت تحقق قواعد دموکراتیک و برآورده کردن خواست عمومی که بر عهده نماینده اکثریت است تنها در صورتی محقق می شود که نماینده مردم قدرت داشته باشد و بتواند آن را نگه دارد. کسی که می خواهد بر صندلی بنشیند و قدرت را در بسته پستی به اضافه یک روبان قرمز به نشانه عشق ملت و دولت به او تقدیم کنند تا قدم رنجه کند و اگر وقت و حوصله داشت ، به خواست مردم هم رسیدگی کند، مطلوب آرمان های دموکراتیک نیست.

موسوی پاسدار سنت است و فرزند سنت ، بهتر است در همان نقطه نیز بماند.

من و دیده بان

قانون رکن بی بدیل دموکراسی است. نمی شود از حکومت مردم سخن گفت اما به هرج و مرج هم قانع بود. دیوان سالاری منظم باید راه اجرای درست قوانین را فراهم کند و همه -شهروندان و حکومتگران- به این قاعده تن دهند.

اما کدام قانون؟ آیا هر قانونی متضمن دموکراسی است؟ آیا می‌توان در اینجا از قانون دموکراتیک سخن گفت؟

چنانچه یک قانون ویژگی های دموکراتیک را نداشته باشد آیا قابل اجرا نیست؟

در روزهای اخیر خبری منتشر شد مبنی بر آنکه رئیس قوه قضاییه حکم سنگسار یک زن محکوم را به عفو تبدیل کرده و محکوم را از مرگ نجات بخشیده است؟

شیرینی این خبر احتمالا در ذائقه کسانی که دغدغه های انسانی و جدی دارند یا آنان که از منظر تحقق حقوق زنان به همه چیز می‌نگرند، هنوز وجود دارد.

فعالین زنان دست اندر کار تحریر نامه تشکر آمیزی به قاضی القضات باشند و از او به خاطر استفاده از اختیاراتش در این خصوص قدر دانی کنند و البته آرزو کنند این روند همچنان ادامه یابد و دیگر در هیچ جایی خبری از قریب الوقوع بودن اجرای حکم سنگسار یک محکوم شنیده نشود. ما به سهم خود ممنونیم و خوشحال.

اما افسوس که دیده بان دموکراسی نمی تواند ساعت خود را به شادمانی این حادثه جلو بکشد. قانون رکن دموکراسی است و اگر قانونی ، غیر دموکراتیک است باید تغییر کند و اگر مطابق اصول دموکراسی است باید اجرا شود.

اصولا دیده بان دموکراسی نمی تواند از اراده های فراتر از قانون که می‌تواند اجرای آن را متوقف کند. خشنود باشد. همین طور نمی‌تواند از نفس خبر که به نام سنگسار خرسند باشد. بنا بر این ما ساعت دموکراسی را ۵۰ ثانیه عقب می‌کشیم . اما و هزار اما که ساعت انسانی را جلو می بریم. دیده بان دموکراسی خواستار توقف این روند است و من دعا می کنم این حوادث ادامه یابد. دیده بان خرسند نیست و من عمیقا خوشحالم.

دیده بان در فردا نشسته است و من در امروز. و من می دانم که از امروز تا فردا از این قانون تا قانونی دیگر ، از این راه که ما می رویم تا آنجا که دیده بان ایستاده چقدر فاصله است.

شیرینی رهایی محکوم به تلخی عفب رفتن ساعت دموکراسی در.

هر دم از این باغ....

آنان که هنوز به تماشای تلویزیون در ایران می نشینند ، حوالی غروب و حول و حوش ساعت بیست و سی دقیقه یعنی هشت و خبری شادی آور. از حکمی که می توانست بحرانی برانگیزد، فرصتی ساختن و مهم تر از آن جان انسانی را نجات بخشیدن.

شاید جا داشت که بسیاری از فعالین زنان دست اندر کار تحریر نامه تشکر آمیزی به قاضی القضات باشند و از او به خاطر استفاده از اختیاراتش در این خصوص قدر دانی کنند و البته آرزو کنند این روند همچنان ادامه یابد و دیگر در هیچ جایی خبری از قریب الوقوع بودن اجرای حکم سنگسار یک محکوم شنیده نشود. ما به سهم خود ممنونیم و خوشحال.

اما افسوس که دیده بان دموکراسی نمی تواند ساعت خود را به شادمانی این حادثه جلو بکشد. قانون رکن دموکراسی است و اگر قانونی ، غیر دموکراتیک است باید تغییر کند و اگر مطابق اصول دموکراسی است باید اجرا شود.

اصولا دیده بان دموکراسی نمی تواند از اراده های فراتر از قانون که می‌تواند اجرای آن را متوقف کند. خشنود باشد. همین طور نمی‌تواند از نفس خبر که به نام سنگسار خرسند باشد. بنا بر این ما ساعت دموکراسی را ۵۰ ثانیه عقب می‌کشیم . اما و هزار اما که ساعت انسانی را جلو می بریم. دیده بان دموکراسی خواستار توقف این روند است و من دعا می کنم این حوادث ادامه یابد. دیده بان خرسند نیست و من عمیقا خوشحالم.

دیده بان در فردا نشسته است و من در امروز. و من می دانم که از امروز تا فردا از این قانون تا قانونی دیگر ، از این راه که ما می رویم تا آنجا که دیده بان ایستاده چقدر فاصله است.

شیرینی رهایی محکوم به تلخی عقب رفتن ساعت دموکراسی در.

هر دم از این باغ....

آنان که هنوز به تماشای تلویزیون در ایران می نشینند ، حوالی غروب و حول و حوش ساعت بیست و سی دقیقه یعنی هشت و نیم با پدیده جدید و تعجب برانگیزی مواجه می شوند.

این ساعت ، ساعت پخش یک برنامه خبری است که مجریان آن اخبار متفاوتی را از منابع خبری متفاوتی قرائت می کنند.

پیش از این برخی روزنامه ها و خبرگزاری ها را بخت آن نبود تا در رسانه ملی از آنان نامی برده شود و بالطبع برخی اخبار ، خود به خود منعکس نمی شد.

قهر سیما با این منابع خبری از آن جهت بود که علاقه ای به پخش اخباری که این منابع به انعکاس آنان می پردازند نداشت.

معتبرترین منبع خبری سیما و صدای جمهوری اسلامی غالبا «واحد مرکزی خبر» بود که خود از نهاد های خبری وابسته به صدا و سیما است. اگر در برنامه ای حرفی از روزنامه های کثیر الانتشار هم می شد ، اول «جام جم» به تصویر می آمد و دست آخر کیهان و برای خالی نبودن عریضه ، برخی روزنامه های غیرجدی هم.

بخش خبری ۲۰/۳۰ اما این سنت را شکسته است. مرتضی حیدری یکی از مجریان این بخش خبری از روزنامه شرق و خبرگزاری ایلنا و.....خبر می خواند و عجیب اینکه منابع هم با اصرار ذکر می شوند.

چندی پیش «عزت الله ضرغامی»رئیس جدید تلویزیون ایران، خود در مقابل انتقادات برخی محافظه کاران به این عمل ایستاد و از تداوم آن حکایت کرد.

شکست انحصار خبری به هر حال مبارک است. عده ای می‌گویند موقتی است با این هم ابزار دیگری است برای انجام کاری دیگر. یا می خواهند چهره خود را ترمیم کنند.

خوب چه عیبی دارد؟ اینکه عده‌ای به این نتیجه رسیده اند که به رسانه های حذف شده نیازمندند و خود به سراغ آنان رفته اند و این بار از اینکه گستردگی دایره نفوذ سیما باعث اقبال خوانندگان به این رسانه ها شود هم، نمی‌ترسند. چه عیبی دارد؟

شیوه ما این است که هر فعل را بدون توجه به سوابق فاعلان آن بررسی می کنیم. دموکراسی نیازمند نیت خوانان و نهان بینان نیست. ۳۰ ثانیه پیشروی برای شکست انحصار خبری و فراخوانی رسانه های محذوف! نگران نباشید!

ساعت چند است؟

با محاسبه آخرین پیشروی ها و پسروی ها با احتساب اشتباه قبلی اینک‌ساعت دموکراسی دوازده و بیست‌ثانیه است

مشاور املاک پارسیان
در کرج
انتخاب اول شما همکیشان در امور ملکی
تلفن: ۴۴۱۴۹۶۳-۰۲۶۱
۴۴۲۶۸۶۷-۰۲۶۱
نشانی: گوهر دشت. فلکه اول. جنب بانک مسکن

کلکسیون تمبرهای نفیس و یادبود
عرضه کننده تمبرهای ایرانی و خارجی
تلفن : ۲۳۱۵۵۱۷
۰۹۱۲۳۰۷۴۵۲۰
عادل عبدالله پور

داروخانه خورشیدیان
ساخت داروهای ترکیبی - محصولات آرایش و بهداشتی
آدرس : فاطمی- بلوار گلها - مجتمع پزشکی گلها - پلاک ۲۳۸
تلفن : ۸۰۰۸۵۲۲

بی مرز .com
BIMARZ
مرزی برای اطلاع رسانی نمی شناسد
طراحی سایت اینترنتی
تبلیغات پست الکترونیکی به داخل و خارج از کشور
طراحی آگهی اینترنتی(بنر)
ثبت نام شغلی شما (در صفحه مشاغل بی مرز)
www.Bimarz.com
برنامه سینما، تئاتر، نگارخانه، تورهای داخلی و خارجی
تلفن : ۳۰-۸۲۱۱۵۲۹

یسنا کامپیوتر
نشانی : ولیعصر- بالاتر از چهار راه طالقانی
مرکز کامپیوتر ایران- ورودی دوم
پلاک ۸۴۰
تلفن: ۱۷ - ۸۸۰۵۱۲۸
۰۹۱۲۱۳۴۲۹۴۷

بیاری اهورا مزدا
اصلاح آگهی
بنیاد نیکوکاری ماوندادی
برای ۹۰ مترمربع سالن تجاری
شریک می پذیرد
نشانی : یزد صندوق پستی ۱۵۳۶-۸۹۱۶۵

شلوار تک پوشاک کاوسی
پیراهن
در اندازه های مختلف
پارچه موجود است
سفارشات در اسرع وقت
کت و شلوار
خیابان سمیه
مابین مفتح و
فرصت جنب بانک
سپه پلاک ۴۵
تلفن: ۸۳۰۶۱۹۳

دفتر وکالت
فرامرز ضیاطبری
(وکیل پایه یک دادگستری)
خیابان آزادی ، روبروی وزارت کار ، کوچه
بامدادان ، پلاک ۴۱
تلفن : ۶۸۷۵۵۴۹
شنبه ـ دوشنبه ـ چهارشنبه ، ۵ تا ۸ بعد از ظهر

تهیه مسکن مهر
با سابقه طولانی و مجوز رسمی
مشاور شما در کلیه امور مسکن
خرید ، فروش ، رهن و اجاره
تلفن: ۶۰۰۹۸۴۰
نشانی: شادمهر(شادان) ، پان تر از نیکروش ، پلاک ۵۶

امرداد
آگهی می پذیرد
تلفن:
۸۳۲۵۳۳۰-۱
و
۸۲۱۱۵۲۹-۳۰
و
۸۲۹۰۰۶۷-۶۸

دکتر کلناز کیانی
جراح و متخصص زنان و زایمان و نازائی
اندوکرینولوژی نازائی
مراقبت های قبل ، حین و پس از زایمان
سونوگرافی تشخیصی واژینال و ایدومیتال در مطب
انجام جراحی زنان با کمترین هزینه
۸۸۳۸۵۸۱ - ۰۹۱۲۳۳۸۶۰۷۹۴ - ۰۹۱۲۳۱۵۵۶۳۴
ساختمان پزشکان ویدا
بالاتر از میدان فاطمی ، بزرگراه شهید کتمام
ضلع شمال غربی میدان کلیا طبقه ۳

دکتر فرشید اختری
جراح دندانپزشک
عضو آکادمی دندانپزشکان زیبایی آمریکا
سفید کردن دندانهای بد رنگ
بستن فاصله بین دندان ها
درمان ریشه (عصب کشی)بدون درد در یک جلسه
ترمیم همرنگ دندان با اشعه
ساخت دندان مصنوعی ثابت و متحرک
ارتودنسی
نصب نگین روی دندان
دندانپزشک مشاور مجله‌های ایام و فضیلت خانواده
ویزیت و مشاوره جهت عموم رایگان
میدان گلها ، ساختمان پزشکان ویدا - طبقه دوم
تلفن ۸۶۳۸۴۸۹

موبایل کامبیز
سیم کارت ـ فیش
گوشی نو و کارکرده ـ نقد و اقساط
سیستم موبایل ماهواره‌ای (ثریا)
خطوط تلفن ثابت تمام مناطق
۶۵۲۵۹۸۸ـ۶۵۲۴۶۰۸ـ۶۵۲۰۵۸۰
۶۵۲۵۹۸۷ـ
موبایل ۰۹۱۲۳۲۳۳۲۴۴

به چند خانم و آقای فعال
در بخش های مختلف
نیازمندیم
برای کسب اطلاعات بیشتر با تلفن های
امرداد تماس حاصل بفرمایید
هفته نامه امرداد

دفتر وکالت
پری سیما آذرکیوان
بزرگراه صدر (بریدگی قیطریه - بلوار کاوه - شمال)
خ بهار جنوبی - خ نادر - پلاک ۱۰ - واحد ۱
تلفن همراه : ۰۹۱۲۲۱۴۶۱۱۴
۵ تا ۷ بعد از ظهر روزهای زوج با وقت قبلی

مهد کودک ، آمادگی
و مرکز پیش دبستانی
سپند
تلفن : ۸۹۶۹۴۴۱

فرم اشتراک امرداد
هزینه اشتراک داخلی(یکساله): پست عادی : ۴۶۵۰۰ ریال هزینه اشتراک خارجی(یکساله): پست عادی: ۱۲۹۰۰۰ ریال
پس‌ازواریزوجه‌اشتراک‌به‌حساب‌بانکی‌بالمثل‌هـــای۸۸۲۴۸۰۶و۸۸۲۵۲۱۲و۸۳۲۵۳۳۰ شماره حواله خود را الطاف دهید تا بلافاصله در لیست مشترکین امرداد قرار بگیرید.
نام و نام خانوادگی : .....
سن : .....تاریخ تکمیل فرم: .....
شماره حواله یا فیش بانک : .....
شهرستان: .....
خیابان: .....
کوچه: .....پلاک :
طبقه : .....
تلفن تماس: .....
نوع درخواست: ☐ اشتراک جدید ☐ تمدید اشتراک
می توانید بهای اشتراک را به حساب جاری ۸۷۸/۸ بانک ملت شعبه سازمان صنایع ملی ، کد ۳۳۵۴/۵ (تهران) قابل واریز در کلیه شعب بانک ملت در سراسر کشور به نام جمشید کیومرثی واریز و اصل رسید را به همراه فرم اشتراک تکمیل شده به نشانی : تهران ، صندوق پستی ۱۵۸۵۵-۱۴۴ ارسال نمایید .با شماره حواله پرداختی خود را با شماره تلفن‌های ۳۱-۸۳۲۵۳۳۰ و ۸۸۲۵۲۱۲ و۸۸۲۴۸۰۶ به ما اطلاع دهید . همچنین می توانید از طریق نمایندگی های امرداد در تهران و شهرستان‌ها نیز اقدام بفرمایید . نمابر شماره ۸۳۲۵۳۲۹ در تمام مدت آماده‌دریافت تصویر فیش بانکی مربوط به پرداخت اشتراک شما خواهد بود.

راستین مسکن
در خدمت همکیشان محترم
خرید ، فروش ، رهن و اجاره
آدرس : یوسف‌آباد،میدان فرحبخش
(سلمانی) ، خیابان شهریار ، پلاک ۱۳۴
تلفن : ۸۰۲۳۶۴۲
۸۰۲۵۳۵۲

مشاور املاک شما همکیشان
در کرج
رستم پرویزی
تلفن : ۲۵۰۶۰۱۸و۲۵۰۰۵۲۷-۰۲۶۱
نشانی: کرج ، عظیمیه ، خیابان شمس
پلاک ۱۷۰

پلاستیک سازی دهنادی
تولید کننده
انواع لوله های موبینی و پروفیل پلاستیکی
از ۱/۵ تا ۲۵ میلیمتر
نشانی کیلومتر ۱۷/۵ جاده مخصوص کرج
خیابان دارو پخش. خیابان مهندس خودکار
تلفن : ۳۸۳۱۴۴۲-۰۲۶۲